

تجزیه و تحلیل رویکرد دولت ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

حمید درج^۱

محمدعلی بصیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

فصلنامه آفاق امنیت / سال دوازدهم / شماره چهل و سوم - تابستان ۱۳۹۸

چکیده

برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران یکی از موضوعات مهم در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ در غرب آسیا (خاورمیانه) به‌شمار می‌رود. اگرچه گمان می‌رفت رویکرد تعامل با غرب و توافقنامه هسته‌ای با گروه ۵+۱، موسوم به برجام، سیاست ایران‌هراسی از سوی واشنگتن را تضعیف نماید، ولی با ورود ترامپ به کاخ سفید، رویکرد تهاجمی او و افراد کابینه‌اش علیه برنامه هسته‌ای ایران مجدداً در دستورکار واشنگتن قرار گرفت. در این راستا، پرسش اصلی مقاله این است که دولت ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران چه رویکردی را در پیش گرفته است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح است که ترامپ و دولت‌مردان امریکایی با بزرگ‌نمایی و تهدید جلوه‌دادن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران برای امنیت منطقه و جهان، به بهانه اینکه ایران از آن برای ساخت بمب اتمی استفاده می‌کند، با بهره‌مندی از ابزار تهدید و فشار در راستای توقف کامل فعالیت‌های هسته‌ای ایران گام برمی‌دارند و در این راستا مقابله با توان فزاینده موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را در صدر اهداف و سیاست‌های خاورمیانه‌ای امریکا قرار داده‌اند که این خود می‌تواند معادلات و نظم منطقه‌ای را در راستای اهداف و منافع واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن شکل بخشد و به تضعیف قدرت و نفوذ روزافزون ایران در منطقه منجر شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیاست دولت ترامپ در دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت خود مثل فروپاشی اقتصادی - سیاسی ایران در ظرف یک‌سال و یا رفتن تهران به پای میز مذاکره با شرایط امریکا در نتیجه تحریم و فشار حداکثر اقتصادی، با شکست روبه‌رو شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی

ایران؛ دولت ترامپ؛ برجام؛ نئورئالیسم تهاجمی؛ یکجانبه‌گرایی

hamid.dorj@gmail.com

basiri@ase.ui.ac.ir

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

مقدمه

مقابله با ایران و سیاست‌های منطقه‌ای، یکی از موضوعات اصلی سیاست خارجی و امنیتی ترامپ در منطقه غرب آسیاست. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برخلاف رئیس‌جمهور پیشین که تمایلی عجیب به چندجانبه‌گرایی و همسوکردن دیگر کشورها و متحدین آمریکا در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و احترام به ساختار نظام بین‌الملل داشت، این بار با روشی متفاوت به‌عنوان اصول سیاست خارجی خود تلاش می‌نماید با احیای رویکرد تاریخی آمریکا و با دستور کاری متفاوت و ناهمگون‌الگوی رفتاری سیاست خارجی این کشور را بازتعریف نماید. وی با خط‌طلان‌کشیدن بر سیاست‌های اوپاما تلاش دارد تا یکجانبه‌گرایی را جایگزین چندجانبه‌گرایی نموده و سازوکار راهبردی آمریکا را در حوزه بین‌الملل تغییر دهد، تاجایی که در قالب نوعی یکجانبه‌گرایی و بر پایه سیاست و مدل «کنشگر دیوانه کیسینجر» به‌مثابه اصلی‌ترین وجوه تمایز با راهبرد اعلامی ازسوی دولت‌های قبلی دلالت دارد. این نگرش جدید و بنیادین ترامپ در سیاست خارجی، علی‌رغم فشارهای بین‌المللی، درنهایت به اقدام یکجانبه ترامپ در خروج از برجام در ۸ مه ۲۰۱۸ منجر شد و قبل از آن نیز اقدامات یکجانبه زیادی را در کارنامه خود به‌ثبت رساند. جایگاه تجاری - اقتصادی آمریکا در دو دهه اخیر به‌دلیل مشکلات داخلی و دخالت‌های نظامی خارجی هزینه‌بر و ناموفق آن تنزل یافته و از رقیبی مانند چین احساس تهدید می‌کند. ترامپ با شعار بازگرداندن جایگاه و قدرت از دست‌رفته به آمریکا وارد کاخ سفید شد و می‌داند اگر آمریکا همچنان فرصت‌ها را از دست دهد؛ دیر یا زود چین از این کشور جلو زده و رتبه دوم قدرت جهانی می‌شود. لذا با سیاست خارجی تهاجمی، یکجانبه‌گرایانه و ساختارشکن حتی با متحدین و دوستان خود، در تلاش است تا جایگاه اولی قدرت آمریکا از دست نرود. اقداماتی مانند خروج از پیمان محیط‌زیستی پاریس، اخذ هزینه‌های دفاعی بیشتر از اعضای ناتو و کشورهای عربی متحد خود در خلیج فارس، وضع تعرفه‌های گمرکی و جنگ اقتصادی با اتحادیه اروپا، روسیه و چین، خروج یکجانبه از پیمان‌های هسته‌ای و موشکی با روسیه و نهایتاً خروج یکجانبه از برجام همگی در راستای سیاست خارجی تهاجمی و یکجانبه‌گرایانه ازسوی ترامپ بوده است. یکی از قدرت‌های نوظهور در غرب آسیا (خاورمیانه) که منافع سنتی آمریکا در سلطه بر منطقه و منابع انرژی را به‌طور جدی تهدید می‌کند؛ جمهوری اسلامی ایران است. از نظر ترامپ، رشد فزاینده قدرت منطقه‌ای ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، با گسترش و توسعه توان محور مقاومت، خصوصاً بعد از امضای برجام، تقویت شد که برای مهار آن ترامپ به‌همراه لابی صهیونیستی - عربی به سیاست خروج از برجام، اعمال تحریم و فشار اقتصادی حداکثری و جنگ روانی علیه تهران دست زد. هدف اصلی



ترامپ از این سیاست در سه اولویت پیگیری می‌شود. ۱. در بلندمدت؛ توقف و شکست الگو و برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی و صنعتی ایران و نهایتاً فروپاشی سیاسی - اقتصادی ایران؛ ۲. در میان‌مدت؛ محدود کردن توان اقتصادی - نظامی ایران به مرزهای ملی و عدم دخالت در امور منطقه و کاهش توان نظامی، هسته‌ای، موشکی و... ایران؛ ۳. در کوتاه‌مدت؛ کاهش توان مالی و اقتصادی ایران ناشی از درآمدهای نفتی و توقف حمایت‌های مالی، نظامی و مستشاری ایران از محور مقاومت و ارتقای امنیت رژیم صهیونیستی و متحدین امریکا در منطقه. امید دولت ترامپ این است که استمرار فشارهای حداکثری اقتصادی بر ایران، حداقل اولویت دوم و سوم امریکا را محقق خواهد کرد. لذا ترامپ و اعضای دولت او درصدد هستند با بزرگ‌نمایی و تهدید جلوه‌دادن برنامه موشکی ایران، قراردادن ایران در کنار کره شمالی، تکرار دائمی اتهام به ایران در زمینه تلاش برای بی‌ثبات کردن منطقه و فشار به اروپایی‌ها در رابطه با ایران، از توسعه و پیشرفت برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران جلوگیری ورزند و از این طریق، ضمن محدود کردن قلمرو قدرت و نفوذ روزافزون ایران در غرب آسیا (خاورمیانه)، به تأمین اهداف و منافع واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن مبادرت ورزند. در این راستا، اروپایی‌ها نگرانی‌های نسبتاً مشترکی با امریکا در ارتباط با قابلیت‌های موشکی و هسته‌ای ایران و نقش منطقه‌ای آن دارند. مواضع و الگوهای رفتار سیاسی کشورهای اروپایی عموماً نشانه‌هایی از کنش انتقادی نسبت به الگوهای رفتاری ایران را به همراه داشته است. در این پژوهش سعی بر آن است که به این سؤال پاسخ داده شود که دولت ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران چه سیاستی را دنبال می‌کند؟ اهمیت پژوهش حاضر در این است که با توجه به پدید آمدن شرایط جدید در مناسبات ایران و امریکا پس از ورود ترامپ به کاخ سفید، ضرورت تدوین چنین مقاله‌ای ملموس است. نوآوری و تازگی مقاله در فقدان و کمبود مقاله فارسی در خصوص رویکرد دولت ترامپ در قبال برنامه هسته‌ای ایران به‌طور مجزا و خاص است. پژوهش حاضر با تکیه بر نظریهٔ نئورئالیسم تهاجمی و براساس روش تحلیل کیفی انجام گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (اسناد، کتب، مجلات و وب‌گاه‌ها) و جستجو در فصلنامه‌ها و مجلات تخصصی صورت می‌پذیرد.

چارچوب نظری: نئورئالیسم تهاجمی

نظریه نئورئالیسم تهاجمی یا واقع‌گرایی نئوکلاسیک مانند سایر نظریه‌های رئالیستی مدرن، دولت‌محور است و معتقد است که رقابت برای قدرت و نفوذ بین دولت‌ها در نظام هرج‌ومرج بین‌المللی از ویژگی‌های مهمی است که سیاست بین‌الملل را تعریف می‌کند. همچنین،



واقع‌گرایان نئوکلاسیک نمایی از نظام بین‌الملل ارائه می‌دهند که به شدت متأثر از نئورئالیسم است؛ آنها بر این باورند که پاداش و تنبیه که از ویژگی‌های پویایی این نظام است، بر رفتار دولت‌ها تأثیر می‌گذارد (Rathburn, 2008: 294 - 321). جان مرشایمر که یک نئورئالیست تهاجمی است، معتقد است که قدرت نسبی برای دولت‌ها مهم‌تر از قدرت مطلق است و رهبران کشورها باید همیشه سیاست‌های امنیتی را دنبال کنند که به تضعیف دشمنان بالقوه آنان منجر شود و قدرت آنها را نسبت به دیگران افزایش دهد. وی تأکید می‌کند که انطباق‌ناپذیر بودن اهداف و منافع دولت‌ها، ماهیت رقابت‌آمیز نظام هرج‌ومرج‌زده را بیشتر می‌کند و درگیری را همانند همکاری، اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. از نظر نئورئالیست‌های تهاجمی، خلع سلاح قدرت‌های بزرگ کاری احمقانه و خلاف صلح و امنیت جهانی است، زیرا به راحتی دولت‌های توسعه‌طلب را تشویق به حمله می‌کند (نوریان، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

باتکیه بر مفروضات نظریه نئورئالیسم تهاجمی، سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای ایران قابل تحلیل است. در این راستا؛ ترامپ مانند بسیاری از جمهوری‌خواهان به شدت با توافق هسته‌ای ایران مخالفت کرده و آن را چالشی برای آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن می‌داند. ترامپ و مقامات واشنگتن برای اعمال هرچه بیشتر فشار بر ایران برای دست‌کشیدن از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود به بهانه اینکه ایران از آن برای تولید تسلیحات کشتار جمعی استفاده می‌کند، تلاش می‌کنند. بدین‌سان، ترامپ در تلاش است با شکل‌دادن و تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه تهران، توازن قدرت منطقه‌ای را در جهت اهداف و منافع واشنگتن و شرکای منطقه‌ای آن تثبیت نماید که در این میان به سیاست فشار حداکثری و وضع تحریم علیه ایران در راستای محدود کردن تحرکات موشکی این کشور و مقابله با نفوذ منطقه‌ای آن دست زده است.

سیاست خارجی ترامپ در غرب آسیا (خاورمیانه): مبانی و اهداف

دونالد ترامپ در ژانویه ۲۰۱۷ در حالی به‌عنوان چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا سوگند یاد کرد که از یک‌سو اقتصاد آمریکا نشانه‌هایی از بهبود را دارا بود و از سوی دیگر آمریکا می‌باید در مورد حل بسیاری از تنش‌های بین‌المللی که خود در ایجاد آنها بی‌تأثیر نبوده است، تصمیمات قاطعانه‌ای می‌گرفت. او طی مراسمی که از ۱۷ تا ۲۱ ژانویه در «واشنگتن دی‌سی» برگزار شد در سخنرانی مراسم تحلیف خود با این شعار که «ما عظمت را به آمریکا باز خواهیم گرداند» کار خود را آغاز کرد (The white house, 2017: 28). ترامپ به شکست آمریکا در جنگ‌های واقع در غرب آسیا (خاورمیانه) اعتراف می‌کند و با سرزنش دولت‌های بوش و اوباما آنها را مسببان صرف هزینه‌های هنگفت و شکست‌های دهه اخیر می‌داند. وی



ضمن سخنانی در کنگره اتحادیه محافظه کاران امریکا، گفت: «ما بدهی را در سطح ملی به ارث برده‌ایم که در هشت سال، دو برابر شد و به ۲۳ هزار میلیارد دلار رسید. ما میراث‌دار سیاست خارجی هستیم که به صورت مرتب و یکی پس از دیگری، شاهد فاجعه‌های مختلف هستیم. ما دیگر نمی‌خواهیم فاجعه دیگری داشته باشیم. آخرین باری که ما برنده شدیم چه زمانی بود؟ آیا ما در جنگی برنده شده‌ایم؟ آیا ما در جنگی برنده شده‌ایم؟» (Trump, 2016: 8). وی همچنین گفته است: «امریکا از جهان محافظت کرد و جنگ سرد را بُرد، اما سیاست خارجی ما بعد از جنگ سرد، کم فروغ بوده است؛ چون بعد از جنگ سرد حماقت و تکبر، جایگزین منطق شد و فاجعه پشت فاجعه آفرید». وی یکی از نمودهای این سیاست خارجی را «فجایع منطقه غرب آسیا (خاورمیانه)» ذکر کرده است. ترامپ شروع فاجعه در سیاست خارجی امریکا را تلاش برای اشاعه زورمحور دموکراسی و دولت‌سازی از طریق تغییر رژیم می‌داند. ترامپ در رابطه با مقوله سیاست خارجی به نحله‌ای از رهبران تعلق دارد که مسلک ملی‌گرایی را مبنای تفسیری و معنای خود قرار می‌دهند. در زمینه اهداف امریکا، ترامپ شعار «نخست، امریکا» را در قالب نوعی ملی‌گرایی افراطی که با یکجانبه‌گرایی همراه است، طرح کرده است. از نظر ترامپ، اصل «نخست، امریکا» باید چراغ راهنمای سیاست خارجی باشد (درج و یزدانی، ۱۳۹۸: ۴۳ - ۴۲). اصل «نخست، امریکا» یکی از ویژگی‌های رهنامه (دکترین) ترامپ قلمداد می‌شود که طی آن دولت ترامپ متعهد می‌شود در سیاست خارجی بر منافع و امنیت ملی امریکا متمرکز شود. بر مبنای خطوط جدید سیاست خارجی امریکا اکنون ترامپ هدف اصلی سیاست خارجی خود را تقویت قدرت و نفوذ امریکا در صحنه سیاست جهانی از طریق سیاست‌های رادیکال تضعیف نقش رقبایی مانند روسیه و چین، تقویت ائتلاف و همکاری با متحدان سنتی در صحنه غرب آسیا (خاورمیانه) مانند عربستان و رژیم صهیونیستی (Klein, 2018: 4) به منظور کاهش نفوذ و تضعیف قدرت ایران مفروض دانسته است.

یکی از موضوعات سیاست خارجی امریکا، امنیت رژیم صهیونیستی و ارتباط با عربستان است. ترامپ و محمد بن سلمان در مصاحبه‌ای با مجله تایمز تأکید کردند: «صهیونیست‌ها حق دارند دولت خودشان را داشته باشند». از محمد بن سلمان درباره منافع مشترک با رژیم صهیونیستی پرسیده شد، وی گفت: «ما و رژیم صهیونیستی دشمن مشترکی داریم و ما نواحی و عرصه‌های بالقوه مختلفی برای همکاری اقتصادی داریم... ما نمی‌توانیم قبل از حل موضوع صلح (فلسطینی‌ها) با رژیم صهیونیستی رابطه داشته باشیم، زیرا هر دو طرف حق دارند زندگی کنند و با هم همزیستی داشته باشند. ما تلاش می‌کنیم از راه حل صلح حمایت کنیم و وقتی آن اتفاق افتاد، ما روز بعد روابط خوب و عادی با رژیم

صهیونیستی خواهیم داشت و این به نفع همه است». درحقیقت، در چارچوب موضع ترامپ درخصوص معامله هسته‌ای با ایران، روابط رژیم صهیونیستی با عربستان کاملاً بهبود می‌یابد و این با تعریف ایران به‌عنوان یک دشمن مشترک حاصل می‌شود (Champion and others, 2018: 7). ترامپ هم بر روابط جدی با امارات متحده عربی، مصر و ترکیه نیز تأکید کرد. این کشورها به‌همراه عربستان و رژیم صهیونیستی به‌مثابه ایجاد ناتوی عربی - عبری یا یک ائتلافی از دشمنان علیه ایران هستند و خواه عمدی یا غیرعمدی فشار گسترده‌ای را بر ایران اعمال می‌کنند و نگرانی‌های امنیتی ایران را افزایش می‌دهند (Wohlfeld, 2018: 17). راهبرد نوین سیاست خارجی امریکا که مشخصاً در سخنان مایک پومپئو^۱، وزیر امور خارجه امریکا، نیز نمایان گشت، اهدافی همچون فلج کردن اقتصاد ایران و فشار بر شریان اقتصادی کشور، ایجاد تشنج و ناآرامی و بی‌ثباتی در داخل کشور و حذف حضور و نفوذ ایران در منطقه را در دستور کار قرار داده است و عناصر کلیدی رسیدن به راهبرد جدید امریکا علیه ایران مواردی همچون تشدید نظارت بر توافق هسته‌ای، بازرسی از مراکز نظامی و افزایش فشار بر سپاه پاسداران و به‌زعم کاخ سفید خنثی‌سازی اقدامات بی‌ثبات‌کننده تهران و نفوذ این کشور در منطقه و حمایت از شبه‌نظامیان است (افضلی، ۱۳۹۷: ۴). آنچه افشای فساد مقامات حکومتی ایران خوانده می‌شود، یکی از اجزای راهبرد دولت ترامپ درباره جمهوری اسلامی ایران است و راهبرد «فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه ایران ابعاد بسیار گسترده‌تری دارد. این راهبرد همان چیزی است که طرفداران شوروی‌سازی ایران آن را توصیه کرده‌اند؛ یعنی فشار بر ایران با همه ابزارهای قدرت امریکا. این سیاست شبیه توصیه‌ای است که جاناتان شنزر^۲ معاون تحقیقات بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها به دولت ترامپ درمورد ایران کرده است: «با هر چیزی آنها را بکوبید و درصورت‌امکان، حتی رژیم را دچار فروپاشی کنید» (Giglio, 2018: 13). از این‌رو، می‌توان گفت؛ راهبرد ترامپ در رابطه با جمهوری اسلامی کاملاً مبتنی بر فشار است و هیچ نشانی از تلاش جدی برای تعامل با ایران ندارد. به‌تعبیری، سیاست کنونی امریکا درمورد ایران پر از چماق است و هیچ هویچی ندارد (Cordesman, 2019: 7).

در حال حاضر امریکا با بحران و چالش مواجه بوده و تلاش ترامپ معطوف به انتقال این بحران به خارج از محیط است. منطقه غرب آسیا مورد توجه رئیس‌جمهور امریکا قرار گرفته و امنیتی‌کردن غرب آسیا ابزار مهم برون‌رفت مجتمع‌ها و شرکت‌های نظامی و صنعتی امریکاست. آماري که از خرید تسلیحات کشورهای حوزه خلیج فارس از امریکا و

1. Mike Pompeo
2. Jonathan Schanzer



غرب اعلام می‌شود به‌خوبی این موضوع را آشکار می‌کند. ترامپ برخلاف اوباما که بیشتر خواسته‌ها و مطالبات تراست‌های نفتی را در سیاست‌های دولتش لحاظ می‌کرد، سعی می‌کند نماینده تراست‌ها و صنایع تسلیحاتی باشد یا حداقل بین کارتل‌های نفتی و تسلیحاتی یک توازن ایجاد کند. ضمن آنکه بحران مالی و اقتصادی امریکا که عامل پیروزی ترامپ بود، سبب شده تا انتقال سرمایه و پول به امریکا اهمیت پیدا کند و ترامپ به همین خاطر اولین سفر خارجی خود را عربستان انتخاب کرد و قرارداد میلیارد دلاری تسلیحاتی را با عربستان سعودی امضا کرد (درج و آقایی، ۱۳۹۶: ۵۳ - ۵۲). در رابطه با اهمیت غرب آسیا (خاورمیانه) برای دونالد ترامپ می‌توان گفت؛ در شرایط فعلی غرب آسیا (خاورمیانه) بیش از دوران گذشته برای امریکا و سران سیاسی آن اهمیت دارد، به‌ویژه برای شخصیتی همچون ترامپ که به همه چیز به دید سود و منفعت اقتصادی می‌نگرد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ترامپ به‌دنبال نفت ارزان برای غرب با بهره‌برداری سیاسی از عربستان و ازسوی دیگر تبدیل غرب آسیا (خاورمیانه) به یک کانون بحران با جنگ نیابتی و حمایت از گروه‌های تروریستی همچون داعش است تا صنایع نظامی و کارتل‌های تسلیحاتی، سود سرشاری را به‌دست بیاورند. لذا با ایجاد ارباب بین همسایگان، تهدید ایران، حمایت از تروریست و ادعای مبارزه با آن و اختلاف میان کشورهای عربی اهداف گفته‌شده خود را دنبال می‌کند.

تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوران پهلوی دوم و از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی با همکاری امریکا، به‌عنوان بخشی از برنامه «اتم برای صلح» آیزنهاور، رئیس‌جمهور امریکا، آغاز شد. با شروع فعالیت‌های هسته‌ای ایران، محمدرضاشاه پهلوی برنامه‌های بلندپروازانه‌ای را برای توسعه و گسترش برنامه هسته‌ای ایران در نظر گرفت. شاه در نظر داشت حدود ۱۰ الی ۲۰ راکتور هسته‌ای را جهت تولید بیست هزار مگابایت برق هسته‌ای تا سال ۱۹۹۴ راه‌اندازی کند. فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همکاری‌های هسته‌ای حکومت پهلوی با امریکا و اروپایی‌ها ادامه داشت و به‌خوبی پیش می‌رفت تا اینکه با وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، همه فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای ایران متوقف شد (بیوک و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۶). در جریان جنگ تحمیلی، تأسیسات هسته‌ای بوشهر هدف حملات هوایی رژیم بعث عراق قرار گرفت و بخش‌هایی از آن تخریب شد. در چنین شرایطی، شرکت‌های غربی از جمله آلمانی‌ها همکاری با ایران را لغو کردند و درصد دریافت گرامت از ایران از طریق دادگاه‌های بین‌المللی برآمدند. این در حالی بود که طرف آلمانی یکطرفه قرارداد با ایران را فسخ کرده بود. درواقع، فناوری هسته‌ای که توسط غربی‌ها در بوشهر نصب شد، هدف



حملات رژیم عراق قرار گرفت که از سوی همین دولت‌ها حمایت می‌شد؛ یعنی غرب به این نتیجه رسیده بود که ایران از این پس نباید به فناوری هسته‌ای دسترسی پیدا کند و یا اساساً ضرورتی ندارد که ایران در دانش هسته‌ای پیشرفت کند (بصیری و قاسمی، ۱۳۸۵: ۲۹). پس از پایان جنگ تحمیلی، ایران خواستار تکمیل نیروگاه بوشهر توسط شرکت پیمانکار آلمانی شد که البته این درخواست با مخالفت آلمان روبه‌رو شده و به نتیجه نرسید. در ۱۹۹۵ روسیه در چارچوب موافقتنامه ۱۹۹۲ خود با ایران در موضوع همکاری کامل هسته‌ای، تعهد به بازدهی‌رساندن نیروگاه بوشهر را پذیرفت (Hunter, 2010: 64).

با استقرار کامل دولت اصلاحات و انتصاب مدیر جدید سازمان انرژی اتمی ایران، ساخت و تکمیل تأسیسات هسته‌ای ایران وارد گام جدیدی شد. در این راستا، مقامات ایرانی رایزنی‌هایی را با طرف روسی جهت تسریع در تکمیل نیروگاه بوشهر انجام دادند. این رایزنی‌ها در فضایی انجام می‌شد که تلاش‌های امریکا برای ایجاد اختلال در فعالیت‌های هسته‌ای ایران باعث فسخ و تأخیر بسیاری از قراردادهای هسته‌ای ایران از جمله با چین شده بود (بصیری و قاسمی، ۱۳۸۵: ۳۲). در زمان دولت هشتم، ایران به پذیرش چند توافقنامه مجبور شد. به تدریج فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم در ایران به حالت تعلیق درآمد. در ۲۹ مهر ۱۳۸۲ برابر با ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳، در نشست مشترک وزارت خارجه سه کشور اروپایی و هیئت ایرانی که در تهران برگزار شد، بیانیه‌ای صادر شد که به موجب آن، ایران برای بازدید بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات اتمی خود اعلام همکاری کرد و تزریق گاز به سانتریفیوژهای نظیر را در راستای راستی‌آزمایی و اثبات صلاح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران به صورت داوطلبانه و برای مدت محدودی تعلیق کرد. انگلیس و فرانسه نیز متعهد شدند تا از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری کنند. در این مذاکرات، ریاست هیئت ایرانی را حسن روحانی و کمال خرازی برعهده داشتند. ریاست هیئت اروپایی را هم دومینیک دیولین^۱، جک استراو^۲ و یوشکا فیشر^۳، وزیران خارجه سه کشور فرانسه، بریتانیا و آلمان برعهده داشتند (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۳).

ابتدای دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد در حالی آغاز شد که بحث ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، قطعی شده بود و منشأ آن هم اعلام تصمیم از سرگیری فعالیت‌های تبدیل اورانیوم در تأسیسات فرآوری اورانیوم اصفهان بود که با مواضع اعلامی ایشان در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری، از قبل هم قابل پیش‌بینی بود. در

1. Dominic Dilepan
2. Jack Straw
3. Josh Fischer



۲۴ اکتبر ۲۰۰۵، دولت احمدی‌نژاد کلیات آیین‌نامه چگونگی مشارکت کشورهای خارجی در برنامه هسته‌ای را نیز تصویب کرد (این همان طرحی بود که احمدی‌نژاد در ابتدای دوره ریاست‌جمهوری‌اش به‌عنوان یک طرح راهگشا از آن یاد کرده بود که طبق آن کشورهای خارجی در فرایند تولید سوخت هسته‌ای ایران مشارکت کنند تا بدین‌وسیله مشکلات ناشی از بی‌اعتمادی هم‌ازمیان برداشته شود. البته این دولت‌ها باید دولت‌های دوست می‌بودند). از این بعد و تا ۸ سال بعد، ایران دیگر منتظر عمل غربی‌ها نمی‌ماند تا از خود عکس‌العمل نشان دهد و غالباً این اقدامات ایران بود که با عکس‌العمل‌های غربی‌ها مواجه می‌شد و به اصطلاح سیاسی دیپلماسی ایران از حالت انفعالی به حالت فعال تغییر جهت داد. پس از کش‌وقوس‌های فراوان در ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ (۸ مارس ۲۰۰۶) سیر ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل آغاز شد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۲۴ - ۲۳). در نتیجه، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی، بانکی، اقتصادی، حمل‌ونقل و بیمه‌ای علیه ایران اعمال شد. سابقه تحریم‌های امریکا علیه ایران به بیش از سه دهه قبل باز می‌گردد، اما تحریم‌های اعمال‌شده در زمینه هسته‌ای که به "تحریم‌های فلج‌کننده" شهرت یافته‌اند، از گستردگی و شدت ویژه‌ای برخوردارند. در این راستا؛ واشنگتن در نوامبر سال ۲۰۰۸ برای ممنوعیت بیشتر ایران در دسترسی به نظام مالی امریکا، مجوز نقل‌وانتقالات مالی برگشت‌پذیر را برای ایران ممنوع کرد؛ بدین‌معناکه هر نوع انتقال مالی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به دولت ایران و نهادهای آن یا اشخاص ایرانی سود برساند، در نظام بانکی امریکا ممنوع شد (پورا احمدی و بازوبندی، ۱۳۹۷: ۹۷ - ۹۶).

در سال ۲۰۱۰ وزارت خزانه‌داری امریکا، کمپانی‌هایی را که به عرضه نفت تصفیه‌شده و فتاوری بخش انرژی برای ایران می‌پرداختند، در «فهرست سیاه» خودش قرار داد (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۰۶). اواما پس از آن با صدور فرمان ۱۳۵۹۰ در ۲۱ نوامبر سال ۲۰۱۱ به‌عنوان متمم قانون تحریم ایران، اختیارات بی‌سابقه‌ای برای اعمال ممنوعیت تجاری و اقتصادی علیه اشخاصی که در بخش‌های انرژی و پتروشیمی ایران فعال هستند، به وزارت خارجه امریکا داد. رئیس‌جمهور امریکا در ۳۱ دسامبر همان سال بر مبنای ماده ۱۲۴۵ قانون دفاع ملی، بانک مرکزی ایران را نیز مورد ممنوعیت‌های قانونی خود قرار داد. اواما همچنین با صدور فرمان ۱۳۵۹۹ در ۶ فوریه ۲۰۱۲ داریی‌های حکومت ایران و تمامی نهادهای مالی ایرانیان را مسدود کرد و در روز نخست ماه می همان سال، با صدور فرمان ۱۳۶۰۸ برای اعمال مجازات علیه اشخاص خارجی که ممنوعیت‌های قانونی علیه ایران را نقض کنند، اختیاراتی به وزارت خزانه‌داری امریکا داد (پورا احمدی و بازوبندی، ۱۳۹۷: ۹۷). گزارش می ۲۰۱۳، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ادعا داشت که ایران ۱۸۲ کیلوگرم



ذخیره ۲۰ درصدی اورانیوم غنی‌شده و ۶/۳۵۷ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۵ درصدی برای ساخت بمب هسته‌ای دارد. آژانس همچنین ادعا کرد که ایران به نصب اورانیوم در اعماق زمین ادامه می‌دهد و تأسیسات دفاعی فوردو توانایی سریع ساخت بمب را داراست. بر همین‌مبنا، تحریم‌های جدیدی از سوی امریکا وضع شد. در همین سال، صادرات پتروشیمی و شرکت‌های مرتبط با پتروشیمی برای نخستین‌بار و نیز صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مورد تحریم امریکا قرار گرفتند (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۰۷ - ۱۰۶). ایران علاوه بر ممنوعیت‌های قانونی امریکا، مورد تحریم‌های شورای امنیت نیز بوده است. شورای امنیت سازمان ملل در چهار دوره مختلف یعنی دسامبر ۲۰۰۶، مارس ۲۰۰۷، مارس ۲۰۰۸ و ژوئن ۲۰۱۰ در مورد تحریم ایران قطعنامه صادر کرد که مهم‌ترین آن قطعنامه ۱۹۲۹ بود. این قطعنامه که در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ تصویب شد، همه بانک‌های ایرانی در خارج را که مرتبط با برنامه هسته‌ای یا موشکی ایران بودند، هدف قرار داد. به‌علاوه، همه معاملات افراد و شرکت‌ها با بانک‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی ایران، تحت‌نظر قرار گرفت. با تصویب این قطعنامه ۷۵ سازمان، شرکت یا مؤسسه و ۴۱ فرد ایرانی مرتبط با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران مشمول تحریم‌های شورای امنیت شدند. این قطعنامه، بازرسی محموله‌های ایرانی را همانند محموله‌های کره شمالی، توصیه کرد. فهرست چهل شرکت دیگر نیز به فهرست شرکت‌های تحریم‌شده سازمان ملل افزوده شد (بیات، ۱۳۹۶: ۹۱ - ۸۹). با وجود این تحریم‌ها، با روی کار آمدن دولت یازدهم و ۲۳ ماه مذاکره مداوم با نمایندگان ارشد ۵+۱ و به‌دنبال دو توافق موقت وین و لوزان، نهایتاً جمهوری اسلامی ایران در ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۴ تیرماه ۱۳۹۴) به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست یافت که در آن طرفین تعهداتی را راجع به رفع تحریم‌ها و شفافیت در برنامه هسته‌ای ایران برعهده گرفتند (بیوک و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۹ - ۳۸).

مؤلفه‌های شخصیتی و ساختاری تأثیرگذار بر رویکرد دولت ترامپ نسبت به ایران

دونالد ترامپ از حزب جمهوری‌خواه امریکا و متعلق به جریان راست مسیحی این کشور است. این جریان با داشتن نگرشی ایدئولوژیک و درعین‌حال قدرت‌محور، قائل به بازگشت امریکا به دوران اقتدار گذشته و استثنانگرایی امریکایی است. از جمله متغیرهای داخلی امریکا که در عرصه سیاست‌گذاری این کشور، بسیار تأثیرگذار است، جریان‌های سنتی اجتماعی - مذهبی می‌باشند که با نگرشی محافظه‌کارانه نسبت به مسائل اجتماعی، حامی سیاست خارجی اقتدارگرایانه و تهاجمی‌اند. نوع گفتمان مذهبی حاکم بر این جنبش‌ها، حاکی از نوعی سیاست خارجی ایدئولوژیک برای امریکا است که می‌توان دکتورین بوش در سال ۲۰۰۰ را تجلی خوبی برای آن دانست. جنبش راست مسیحی از یک‌سو بر لزوم



گسترش «ارزش‌های امریکایی» در جهان تأکید دارد و از سوی دیگر به «اهرم نظامی» به‌عنوان ابزار مناسب پیشبرد سیاست خارجی نظر دارد. دونالد ترامپ نیز در چنین چارچوبی، با طرح شعار «ساختن عظمت دوباره امریکا»، به‌دنبال احیای اقتدارگرایی امریکا و تقویت قدرت اجتماعی و اقتصادی این کشور در عرصه‌های مختلف است (درج و آقائی، ۱۳۹۶: ۴۹). منشأ سیاست‌های اعلانی و اعمالی ترامپ به‌لحاظ مجموعه باورها قبل از هر چیز به نگرش اقتصادی او بر می‌گردد. حتی گفته می‌شود، رهیافت ترامپ در غرب آسیا ترکیبی از نظامی‌گری با ناسیونالیسم اقتصادی است (Mossalanejad, 2018: 38). ویژگی‌های فردی و خاستگاه رویکردی و اجتماعی ترامپ، ساختار نظام سیاسی و حاکمیت امریکا و منافع موجود در محیط نظام بین‌الملل و منطقه راهبردی غرب آسیا موجب نقش‌دهی به سیاست خارجی ترامپ می‌شوند (The White House, 2017: 33). هیلاری کلینتون، استدلال می‌کند که «ایده‌های ترامپ فقط متفاوت نیستند - آنها به‌طرز خطرناکی متناقض و بی‌ربط هستند. افکار وی حتی ایده‌های واقعی نیستند - بلکه یک سری باوه‌سرای‌های عجیب و غریب، عداوت‌های شخصی و دروغ‌های آشکار و محض هستند (Reilly, 2016: 11). ترامپ در رقابت‌های انتخاباتی از شعار ریگان یعنی «بیاید دوباره امریکا را بزرگ کنیم» و «بامدادی نو در امریکا» استفاده می‌کرد. این به‌معنای تقلید سبک ریگان نیست، چیزی است که ریگان استفاده می‌کرد و واقعیت این است که هنوز ریگان میان جمهوری‌خواهان، مخاطبان زیادی دارد (دلیری، ۱۳۹۶: ۴۳).

بسیاری از اشعار، استدلال‌ها و اقداماتی که ترامپ چه در دوران انتخابات ریاست جمهوری و چه پس از استقرار در کاخ سفید در مورد ایران مطرح کرده و درپیش گرفته است، ابتدا از سوی محققان بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها مطرح شده است. حتی بسیاری از واژه‌ها و مفاهیمی که ترامپ و برخی دیگر از مقامات دولت او در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و توافق هسته‌ای برجام به‌کار می‌برند، ساخته و پرداخته بنیاد دفاع از دموکراسی‌هاست. مارک دوبرویتز^۱، مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، گفته است که در زمان ریاست مایک پمپئو؛ وزیر خارجه کنونی امریکا، در سازمان سیا، نسخه‌ای از کتاب «پیروزی: استراتژی دولت ریگان که سقوط اتحاد شوروی را سرعت بخشید» نوشته، پیترو شوایتزر^۲، را به او داده که وی نیز آن را با علاقه خوانده و به همکاران دیگرش در سیا و وزارت خارجه داده است تا مطالعه کنند. یک مقام امریکایی دولت ترامپ گفته که بر کسی پوشیده نیست که کتاب مذکور بر سیاست ترامپ در قبال ایران تأثیراتی داشته است. بنیاد

دفاع از دموکراسی‌ها تهیه‌کننده اصلی «قدرت آتش‌فکری» علیه برجام، هم قبل و هم بعد از شکل‌گیری این توافق بوده و اعضای آن نه‌تنها با نگرش یادداشت‌های مختلف، بلکه با حضور گسترده در جلسات استماع کنگره، نقشی پیشرو در حمله به برجام ایفا کردند. براین‌اساس، باور بر این است که بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها نقش بسیار اساسی در خروج دولت ترامپ از برجام ایفا کرده است (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷: ۷۴ - ۷۳). همچنین مؤسسه امریکن اینترپرایز، نقش بسیار برجسته‌ای در پیکربندی سیاست ترامپ در رابطه با ایران داشته است. فردریک کگان^۱، عضو مؤسسه امریکن اینترپرایز و استاد سابق تاریخ نظامی آکادمی نظامی وست‌پوینت، در یادداشت خود باعنوان «آیا می‌توانیم استراتژی پیروزی در برابر ایران را در پیش بگیریم» به دولت ترامپ توصیه می‌کند: ۱. ایران را از حامیان و تأمین‌کنندگان خارجی‌اش جدا کنید؛ ۲. اعمال شکست‌هایی بر سپاه پاسداران در سوریه و عراق برای بی‌اعتبار کردن روایت داخلی از این سازمان که حمایت از برتری آن در سیاست امنیت‌ملی را در پی دارد؛ ۴. اختلال در تلاش‌های ایران برای دستیابی به مواد لازم تولید زرادخانه هسته‌ای و توسعه توانمندی‌های نظامی متعارف خود (Kagan, 2018: 27). استفان بنون^۲، نظریه‌پرداز ارشد ترامپ، نیز پیش از پیوستن به گروه ترامپ، پایگاه خبری راست‌گرای بریت بارت^۳ را مدیریت می‌کرد که به‌طور منظم، مقالات انتقادی علیه ایران منتشر می‌کرد. در این حلقه، پومپئو نیز قرار دارد که از مدافعان بمباران تأسیسات نظامی ایران است. وی مقامات رسمی ایرانی را "متقلبان هسته‌ای زنجیره‌ای" می‌نامد (Regencia, 2017: 12).

در تبیین عوامل داخلی تأثیرگذار در شکل‌دهی به سیاست خارجی امریکا و به‌ویژه ترامپ باید به رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی امریکا و میزان تأثیرپذیری ترامپ از لابی‌ها و گروه‌های فشار صهیونیستی نیز اشاره نمود که نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری امریکا دارند. یکی از این نهادها که در امریکا فعال است؛ کمیته امور عمومی امریکا و رژیم صهیونیستی یا همان آپیک می‌باشد که محوری‌ترین و قدرتمندترین ابزار صهیونیستی در امریکا محسوب می‌شود و از قدرت لابی مؤثر و تعیین‌کننده‌ای برخوردار است و امروزه نیز تأثیر فراوانی بر شکل‌دهی به سیاست‌خارجی ترامپ دارد. این عناصر داخلی فعالیت ویژه‌ای در رابطه با ایران نیز دارند و لابی ضد ایرانی مهم‌ترین بخش لابی‌گری‌های صهیونیست‌ها در امریکا را تشکیل می‌دهد و سازمان‌ها و شرکت‌های لابی‌کننده رژیم صهیونیستی در امریکا بیش از هر بخش دیگری، همواره لابی ضدایرانی را

1. Frederick Kagan
2. Stephen Benon
3. Breitbart



در دستور کار خود قرار می‌دهند (8: Stolberg, 2019). امروز ریاض نیز در کنار لابی صهیونیستی تمام تلاش خود را به کار بسته است تا زمینه‌های گسترش سیاست‌های خصمانه و ضدایرانی دولتمردان امریکایی را فراهم آورد.

شخصیت و رفتار پیش‌بینی‌ناپذیر، متناقض، حساس، بی‌تاب، وسواسی، بی‌مسئولیت و بی‌پروای ترامپ بر تعاملات خارجی امریکا تأثیر بسزایی گذاشته است. این امر رهبران خارجی را نسبت به سیاست خارجی امریکا بی‌اعتماد کرده است (2: Cohen, 2019). همچنان که نوآم چامسکی عنوان می‌کند: «قابل پیش‌بینی‌ترین ویژگی ترامپ، غیرقابل پیش‌بینی بودن اوست». برای ترامپ، یک مذاکره‌کننده تأثیرگذار، کاملاً محتاطانه عمل می‌کند، هیچ وقت دست خود را رو نمی‌کند و همیشه توانایی خود را در بلوف‌زدن حفظ می‌نماید (محمدزاده ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۶).

سیاست ترامپ و مقابله با قدرت موشکی و منطقه‌ای ایران

امریکا با حضور خود در خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن موجب می‌شود تا رقابت سالم منطقه‌ای ایران و توسعه حوزه نفوذ ایران کاهش و درمقابل، توسعه نفوذ رقبای ایران افزایش یابد. درحال حاضر در تنگنا قراردادن ایران از طریق محدودکردن حوزه اعمال نفوذ ایران در منطقه و ایفای نقش ایران به‌عنوان قدرت منتقد منطقه‌ای از اهداف مهم حضور نظامی امریکا و عربستان در منطقه به‌خصوص یمن، بحرین، سوریه و عراق است. برخی تحلیل‌گران حتی کنترل تنگه باب‌المندب را اقدامی برای محکم‌کردن تله‌ها و دام‌های اطراف ایران و نیز سناریوی جنگ با ایران می‌دانند و آن را آخرین گام ناتو در مسیر آغاز حمله به ایران ذکر می‌کنند (درج و آقایی، ۱۳۹۶: ۵۸ - ۵۶). هدف راهبرد مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران، افزایش فشار بر تهران برای مهار برنامه موشکی بالستیک آن و همچنین مقابله با حمایت ایران از گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه و نیز برخورد با آنچه جاسوسی سایبری ایران نامیده می‌شود، است. از دید امریکا نیت ایران در منطقه، تأمین مسائل مالی و حمایت از تروریسم و بی‌ثبات‌سازی منطقه، به‌ویژه عراق، سوریه و یمن است (Landay and others, 2017: 3). در سند راهبرد امنیت ملی ترامپ نیز که در ماه دسامبر ۲۰۱۷، منتشر شد، با انتقاد از سیاست‌های دولت قبلی امریکا، تأکید شده است که تمرکز کوتاه‌نظرانه دولت قبل به برنامه هسته‌ای ایران و صرف‌نظرکردن از دیگر فعالیت‌های رژیم، به ایران اجازه داد که نفوذش را به سطحی بالا در منطقه افزایش دهد. نیکی هیلی^۱ که نقش زیادی در سیاست خارجی دونالد ترامپ دارد نیز در همین زمینه در ماه دسامبر

۲۰۱۷ در سازمان ملل اعلام کرد که امریکا در نظر دارد یک ائتلاف بین‌المللی علیه ایران و اقدامات مقامات این کشور ایجاد کند. او در این سخنرانی با تأکید بر این ادعای واهی که موشکی که از یمن به سمت ریاض شلیک شده در ایران ساخته شده است، گفت: «شما خواهید دید که ما یک ائتلاف علیه ایران و اقدامات این کشور تشکیل خواهیم داد» (Aljazeera, 2017: 3). این در حالی است که مذاکرات منتهی به برجام، جایگاه دیپلماسی ایران در حل و فصل مناقشات منطقه‌ای را تقویت کرد و آن را به‌عنوان قدرت هژمون منطقه‌ای و بازیگر مؤثر بین‌المللی جلوه‌گر ساخت.

واقع‌گرایان اعم از کلاسیک، ساختارگرا یا نئوکلاسیک با تأکید بر اهمیت وضعیت آنارشیک نظام بین‌الملل معتقدند؛ در جهانی که هیچ دستگاه دولتی یا حاکمیتی مشترک با دسترسی انحصاری به ابزار اجبار وجود ندارد و نیز حکومتی بین‌المللی برای تنظیم رفتار دولت‌ها نیست، همه خود را در یک محیط مبتنی بر خودیاری می‌بینند که لازم است برای حفظ امنیت خود در آن قدرت کسب کنند. این به‌معنای آن است که دولت‌ها ظرفیت‌های نظامی - تدافعی و یا تهاجمی خود را افزایش می‌دهند (باقی مجرد و دیگران، ۱۳۹۶: ۳) و به انعقاد قراردادهای تسلیحاتی مبادرت می‌ورزند. در این چارچوب، ترامپ در مه ۲۰۱۷، کشورهای عربستان و رژیم صهیونیستی را به‌عنوان اولین مقصد سفر خارجی خود انتخاب کرد. از مهم‌ترین اهداف این سفر که با محوریت ایران‌هراسی صورت گرفت، ایجاد اتحاد درمقابل سیاست‌های منطقه‌ای ایران و ارتقای توان نظامی هم‌پیمانان امریکا در برابر ایران بود (Campbell, 2017: 21). ترامپ که در این سفر ایران را عامل بی‌ثباتی غرب آسیا معرفی نمود، یک قرارداد عظیم نظامی به ارزش ۱۰۹/۷ میلیارد دلار، را با ریاض به امضا رساند. این بسته شامل پیشرفته‌ترین سامانه‌های دفاع موشکی می‌شود. به گفته کاخ سفید این بسته موشکی برای کمک به خنثی‌کردن تهدیدات منطقه‌ای طراحی شده است (Majumdar, 2017). درواقع، این‌گونه به‌نظر می‌رسد که تقویت بنیه نظامی و تسلیحاتی عربستان با هدف افزایش توانمندی‌های دفاعی این کشور و دیگر هم‌پیمانان منطقه‌ای آن برای مقابله با افزایش روزافزون توان موشکی ایران و همچنین جبران ضعف مواضع منطقه‌ای آنان در برابر ایران از طریق تغییر موازنه قدرت نظامی به سود خویش است که این خود می‌تواند به رقابت‌های هرچه‌بیشتر تسلیحاتی در منطقه غرب آسیا بیفزاید و ضمن انباشت شدن تسلیحات نظامی میان کشورهای منطقه، چشم‌انداز صلح و ثبات را در منطقه تیره‌وتر سازد. لذا حضور امریکا در منطقه و انعقاد قراردادهای هنگفت تسلیحاتی با کشورهای منطقه را باید اقدامی برای فشار به ایران ارزیابی کرد که در راستای تأمین اهداف و منافع خود و هم‌پیمانان منطقه‌ای مبادرت می‌ورزد. از نظر عربستان، توافق برجام خطر



دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را از بین نمی‌برد، بلکه صرفاً آن را چند سال به تعویق می‌اندازد. در حالی که در کوتاه‌مدت با برداشته‌شدن تحریم‌ها، میلیاردها دلار نصیب ایران می‌شود و این کشور می‌تواند شور و نشاط بیشتری به جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود بدهد. همچنین، فارغ از محتوای توافق برجام، عادی‌شدن تجارت میان ایران و کشورهای اروپایی باعث تغییر توازن قدرت در منطقه به نفع تهران و به ضرر ریاض خواهد شد (Berman, 2015: 75). در واقع، مذاکرات منتهی به برجام نه تنها منافع و امنیت ایران را تأمین کرده، بلکه باعث ابراز خرسندی هم‌پیمانان منطقه‌ای ایران در لبنان، سوریه، عراق، یمن و طرفداران جمهوری اسلامی در دیگر کشورهای منطقه نیز شده است و زمینه را برای تقویت توان محور مقاومت در منطقه فراهم کرده است.

کغان، سوریه را افغانستان و عراق را لهستان ایران می‌داند و معتقد است یک طرح بلندمدت از سوی آمریکا باید بر ایجاد اجماع میان متحدان آمریکا درباره نیاز به اجرای راهبرد پیروزی متمرکز باشد؛ روسیه و چین را از زنده نگهداشتن ایران باز دارد؛ در زنجیره عرضه مواد راهبردی مورد نیاز ایران برای ارتقای توانمندی‌های هسته‌ای و نظامی‌اش اختلال ایجاد کند و ایران را مجبور به نبرد دشوار در عراق و سوریه برای حفظ موقعیت خود کند، در حالی که هم‌زمان به هر طریق ممکن بر اقتصاد ایران فشار وارد آورد. چنین راهبردی از نظر وی، ایران را مجبور می‌کند به درون مرزهایش برگردد؛ حرکتش را در جهت هژمونی منطقه‌ای قطع و وارونه می‌کند؛ شکاف‌ها میان رهبران ایران و بین نظام و مردم را تشدید می‌کند و ممکن است در طول زمان، به روشی که خاص ایران است، به تغییر ماهیت رژیم منجر شود (Kagan, 2018: 24). ترامپ مقابله با نیروهای نظامی ایران در خلیج فارس و تشدید فشار بر ایران به منظور عقب‌نشینی از سیاست‌های منطقه‌ای را جزء سیاست‌های اصلی خود بر شمرده است. وی معتقد است: «دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و حتی فناوری غنی‌سازی می‌تواند سایر کشورهای منطقه و مخصوصاً رقبای منطقه‌ای ایران نظیر عربستان و ترکیه را به ادامه مسیر مشابهی تشویق کند» (حاجی‌مینه و صالحی، ۱۳۹۷: ۲۳۳). بر اساس رویکرد نئورئالیسم تهاجمی، موازنه‌سازی صرفاً ناشی از شرایط مادی نیست، بلکه تابعی از درک رهبران نیز می‌باشد. استفان والت نیز به درک ترامپ در اقدام به موازنه‌گرایی در غرب آسیا (خاورمیانه) متأثر از منافع متحدین منطقه‌ای آمریکا اشاره می‌کند و می‌گوید: «حمایت عجولانه ترامپ از نائبان و متحدان کنونی آمریکا بر این فرض استوار است که موازنه قوای منطقه‌ای بسیار حساس است. ترامپ با کم‌باوری و زوداطلاعی‌اش، این دیدگاه عربستان، رژیم صهیونیستی و امارات را که ایران یک هژمون خطرناک بالقوه و در آستانه بنانهادن امپراطوری جدید پارس است، پذیرفته است (علی‌تبار و



دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۰). در این راستا؛ ترامپ و تیم امنیت ملی او بر این باور هستند که سیاست‌های اوباما نه تنها ایران را ضعیف نکرده، بلکه باعث شده که ایران قوی‌تر و با نفوذتر از دوران پیش از اعمال تحریم‌ها در سال ۲۰۰۹ شود. آنها معتقدند ایران طی این مدت توانسته است در سوریه، عراق، یمن و دیگر مناطق نفوذ گسترده‌ای پیدا کند و هم‌اکنون از بسیاری از تحریم‌های بین‌المللی فلج‌کننده پیشین که بر اقتصادش اعمال شده بود و این کشور را از جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک خود ناامید کرده بود، رهایی یافته است. بر این اساس، ترامپ راهبرد تهاجمی تری در برابر رفتارهای ایران در منطقه درپیش گرفته و درصدد است جامعه جهانی را درخصوص فشار بر ایران با خود همراه کند. مقامات امریکا معتقدند با تشدید تحریم‌ها و در نتیجه کاهش و محدودسازی منابع مالی ایران، می‌تواند مانع مهمی بر سر راه اقدامات به اصطلاح بی‌ثبات‌کننده آن در منطقه و حمایت از گروه‌هایی نظیر حزب‌الله و انصارالله ایجاد نمایند. از دید امریکایی‌ها، خروجی این راهبرد در نهایت موازنه قوا را به نفع امریکا و متحدان منطقه‌ای آن حفظ خواهد کرد (The White House, 2017: 39). از این رو، دولت ترامپ شدیداً به تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران روی آورده و از تغییر رژیم در این کشور حمایت کرده است. هم‌اکنون سؤال این است که آیا ایران که با سیاست‌های خصمانه امریکا مواجه شده است و پیوندهای مستحکمی با متحدان منطقه‌ای خود دارد؛ آیا همچنان در بلندمدت و کوتاه‌مدت صرف‌نظر از اینکه امریکا در برجام بماند یا نه، به معامله هسته‌ای وفادار می‌ماند؟ پاسخ به این سؤال نیازمند تأمل است؛ اما این امر به این حقیقت اشاره دارد که هم‌اکنون مشوق‌ها و محرک‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی اندکی برای ایران وجود دارد تا به معامله هسته‌ای وفادار بماند و در زمینه موضوعات دیگر مذاکره کند. بدون حمایت امریکا، کشورهای اروپایی و سهامداران دیگر نمی‌توانند پیشنهادی ارائه دهند که ایران را به مذاکره درخصوص برنامه موشک‌های بالستیک و موضوعات دیگر تشویق نماید. آیا راه‌حلی برای خروج از این مسئله بغرنج وجود دارد؟ آیا توافقنامه هسته‌ای می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت حفظ شود؟ به نظر می‌رسد با وجود تنش‌ها و منازعات منطقه‌ای این امر کار دشواری خواهد بود؛ اگر نگوییم غیرممکن است. به‌طور خاص، هرگونه تلاش پایدار و بادوام برای یافتن راه خروج از این وضعیت بغرنج نیازمند حل مسئله سوریه، یمن و بحرین است؛ به‌خصوص مسئله سوریه. این منازعه که به‌مثابه جنگ جهانی سوم است (Wohlfeld, 2018: 18)، شامل تعداد زیادی از بازیگران مهم منطقه‌ای و بین‌المللی با برداشت‌های امنیتی و تضاد منافع است. در این چارچوب، اتحادیه اروپا باید سیاست‌های پیش‌گستر حل این منازعه را درپیش گیرد. موضوعات حل‌نشده متعددی در منطقه وجود دارد که مانع دستیابی به یک راه‌حل سازنده برای حل



توافقنامه هسته‌ای ایران است. به‌عنوان نمونه، مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی. آینده فلسطین و سیاست‌های آینده فلسطین در قبال لبنان و حزب‌الله، نقش مهمی در این زمینه دارد. خصومت دیرینه عربستان و ایران یک مانع عظیم دیگر برای دستیابی به شرایطی است که در آن شرایط توافق هسته‌ای ایران بتواند به حیات خود ادامه دهد. یک نوع تفاهم مشترک بین عربستان و ایران، پیش‌شرط یک خاورمیانه آرام است. لذا ایران به‌سختی متقاعد می‌شود تا درخصوص برنامه موشک‌های بالستیک و "شروط غروب یا افول برجام" در توافقنامه هسته‌ای با اعضای ۵+۱ مذاکره مجدد انجام دهد (Kinzer, 2016: 12). ترامپ آماده است تا در صورتی که ایران برنامه هسته‌ای خود را بعد از اینکه به‌اصطلاح "شروط غروب یا افول برجام" به‌تدریج بین سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ منقضی شدند، تحریم‌های هسته‌ای تعلیق شده کنونی را مجدداً اعمال کند. همچنین آماده است؛ در صورتی که ایران توان موشک‌های بالستیک خود را توسعه دهد (چیزی که برجام ممنوع ساخته است) تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع کند (Alcaro, 2018: 12). درخصوص توانایی‌های دفاعی و موشکی ایران که به‌شدت از سوی امریکا و رژیم صهیونیستی مورد انتقاد قرار گرفته و از آن به‌عنوان تهدیدی بین‌المللی یادشده است؛ محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، توانایی‌های نظامی ایران را منبعث از حق ایران برای دفاع از خود می‌داند (Zarif, 2017a: 2). پس از زمزمه‌های تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط امریکا و انتقادات فراوان نسبت به آزمایش‌های موشکی ایران، ظریف در توییتی همه ایرانی‌ها را اعم از مرد و زن «سپاهی» معرفی می‌کند که قاطعانه حامی آنان است (Zarif, 2017b: 3). در این راستا؛ ترامپ در صدد مذاکرات مجدد بر سر برجام برآمده است و خواهان لحاظ کردن توانمندی بالای موشکی ایران است. باتوجه به اینکه ایران هیچگاه درخصوص قابلیت‌های موشکی خود به‌عنوان عامل بازدارنده و دفاعی مذاکره نخواهد کرد؛ لذا مقامات تهران این اقدام واشنگتن را تهدیدی امنیتی برای عناصر هسته‌ی شناختی و هویتی نظام قلمداد می‌کنند که این خود می‌تواند به کاهش قدرت و عمق راهبردی ایران و انزوای آن در منطقه منجر شود.

رویکرد دولت ترامپ در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

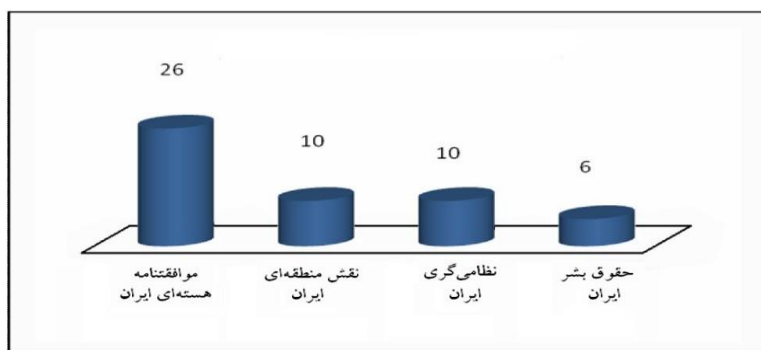
سیاست‌های ترامپ در قبال ایران از همان زمان کارزار انتخاباتی شکل گرفته بود. وی از نخستین روزهای استقرار در کاخ سفید دارای کنش‌های معناداری در قبال ایران بوده است. انتقاد از سیاست‌های باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی و تلاش برای لغو برجام و اعمال محدودیت‌های مهاجرتی علیه شهروندان ایرانی، از همان آغاز نمایانگر چهره ضدایرانی او بود (Maloney, 2017: 3). دونالد ترامپ طی سخنانی در اکتبر ۲۰۱۷، در تبیین راهبرد امریکا در قبال ایران ضمن تأکید بر اینکه ایران طی چهار دهه گذشته همواره با خصومت



درقبال امریکا ظاهر شده و پس از برجام نیز به رویه همیشگی‌اش ادامه داده است، اعلام کرد: «همچنان که بارها گفته‌ام، توافق ایران یکی از بدترین و یک‌طرفه‌ترین معاملاتی است که امریکا تاکنون به آنها وارد شده است. تفکری که این توافق را ایجاد کرده، همان تفکری است که مسئول سال‌ها توافق‌های تجاری وحشتناک بوده و میلیون‌ها شغل را در کشور ما به نفع کشورهای دیگر قربانی کرده است. ما نیاز به مذاکره‌کنندگانی داریم که با قدرت بیشتر منافع امریکا را نمایندگی می‌کنند». ترامپ دولت اواما را مورد انتقاد قرار داد که چرا درست زمانی که نظام سیاسی ایران در آستانه فروپاشی بود، با برداشتن تحریم‌ها نجاتش داد (Trump, 2017: 9). در ماه آوریل سال ۲۰۱۷، رکس تیلسون وزیر خارجه سابق امریکا نسبت به بی‌توجهی جهان به رفتارهای ایران هشدار داد و اعلام کرد: «اگر رهبران جهان مواظب رفتار ایران نباشند، این کشور ممکن است مسیری مشابه کره شمالی را طی کند» (Daily Express, 2017: 9)؛ به‌گونه‌ای که ایران به‌وسیله توافق هسته‌ای توانسته است هم تحریم‌های سنگین و محدودیت فروش نفت را بر طرف کند و هم مواد خام را در بازارهای جهانی عرضه کند. لذا دولت ترامپ بر این باور است که با حذف مزایای برجام برای ایران می‌توان به ترتیبات بهتری با ایران رسید.

ترامپ توافق هسته‌ای ایران را چالشی برای امریکا و متحدانش دانست و در مصاحبه‌اش با نیویورک تایمز گفت: «ما در این توافق میلیاردها دلار پول به ایرانیان دادیم که نباید می‌دادیم» (Vatanka, 2016: 11). دوبرویتز همچنین در نشستی در بنیاد هریتیج در اواخر آگوست ۲۰۱۷، باعنوان «چالش‌های هسته‌ای، منطقه‌ای و نیابتی ایران» که به بررسی مسئله ایران و شیوه‌های برخورد با آن اختصاص داشت، به‌صراحت اعلام کرد: «طی حدود ۱۰ سال آینده، رژیم ایران برنامه هسته‌ای در مقیاس صنعتی که قانونی و مبتنی بر تعهدات ان. پی. تی است، خواهد داشت که مبتنی بر سانتریفیوژهای پیشرفته است و همچنین، ایران موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و اقتصادی شکوفا برای تأمین مالی این پروژه‌ها خواهد داشت و این، هژمونی منطقه‌ای و جهانی ایران را تثبیت می‌کند» (Roe, 2014: 187). ترامپ درخصوص ایران ۳۴ توییت داشته که کلمه «ایران» به‌صورت مستقیم ۴۰ بار تکرار شده است. این توییت‌ها معادل ۰/۹۴ درصد مجموع توییت‌های وی در این دوره می‌باشد. موافقتنامه هسته‌ای ایران که در غالب توییت‌ها با کلمه ترکیبی «معامله ایران» بدان اشاره شده است، بیشترین فراوانی موضوعی توییت‌های او را تشکیل می‌دهد (Trump, 2018b: 3).





نمودار ۱. فراوانی مسائل مرتبط با ایران در توییت‌های ترامپ (6: Trump, 2018b)

رئیس‌جمهور امریکا، پس از مدت‌ها کش‌وقوس و تهدیدات فراوان در ۸ می ۲۰۱۸، رسماً خروج امریکا از برجام را اعلام کرد و به تمامی شرکت‌ها و تجار فرصت داد؛ ظرف مدت چندماه از فعالیت در ایران خارج شوند. دلایل اصلی خروج امریکا از برجام را می‌توان فشار لابی صهیونیسم - عربی، عدم تغییر رفتار ایران در منطقه و نبود هیچ‌گونه امتیاز اقتصادی به نفع امریکا پس از برجام قلمداد کرد (Cherkaoui, 2018: 6). در این میان، ترامپ در توجیه خروج امریکا از توافق هسته‌ای به بعضی سیاست‌های ایران از جمله پیشبرد برنامه موشکی و حمایت این کشور از گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه اشاره کرد و ادعا کرد که برجام نه‌تنها تأثیری بر مهار این سیاست‌ها نگذاشته، بلکه حتی جلوی دسترسی ایران به بمب هسته‌ای را نیز نگرفته است. این در حالی است که اتهامات مکرر به ایران نظیر حمایت از تروریسم، برنامه‌های موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای بی‌ثبات‌ساز، همگی با هدف ترویج چهره‌ای ضد صلح و قانون‌شکن از ایران و ایجاد جبهه بین‌المللی قدرتمندی علیه آن انجام می‌شود. لذا الگوی رفتاری ترامپ، واقعیت‌های دیپلماسی تهاجمی در سیاست خارجی امریکا در قبال ایران را منعکس می‌سازد که در راستای توقف کامل فرایند تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای ایران و به‌زانو درآوردن تهران در منطقه گام برمی‌دارد.

در حالی که ترامپ در ۸ می ۲۰۱۸، در کاخ سفید بیانیه خود را ارائه داد، بر سه نقطه مهم در چارچوب مسائل امنیت و اقتصاد متمرکز شد: نخست تأکید کرد قصد دارد ضمن جلوگیری از دولت ایران به‌عنوان دولتی حامی تروریسم، جلوی غنی‌سازی اورانیوم و دستیابی ایران به بمب هسته‌ای را بگیرد؛ دوم، اعمال بالاترین سطح تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و تحریم هر دولت دیگری که به ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای

کمک کنند. گابریل سوما^۱، مشاور ترامپ در امور غرب آسیا (خاورمیانه)، می‌گوید: «تحویلی میلیاردها دلار پول که ایران به‌عنوان دارایی‌های بلوکه‌شده خود قرار است از آن بهره‌مند شود، مایه شرمساری بزرگ برای من به‌عنوان یک شهروند و برای همه شهروندان امریکاست» (Cherkaoui, 2018: 3). تاریخ بحث و منازعه بر سر تحویل دارایی‌هایی ایران به قطع روابط امریکا با ایران در سال ۱۹۷۹ برمی‌گردد. این امر اندازه و شدت قداست تجارت برای دولت ترامپ را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که چطور ملی‌گرایی اقتصادی در مرکز فلسفه دولت ترامپ قرار دارد. طبق برآورد اداره خزانه‌داری امریکا در سال ۲۰۱۵، ارزش کلی دارایی‌های ایران که قرار است آزاد بشود، ۵۶ میلیارد دلار است. واشنگتن تنها حدود ۱/۷ میلیارد دلار آن را پرداخت کرده، از جمله ۴۰۰ میلیون دلار به اضافه بهره‌ای که ایران به امریکا قبل از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ برای خرید سخت‌افزار نظامی پرداخت کرده بود که این سخت‌افزارهای نظامی هرگز تحویل نشد (Greenberg, 2018: 4). خروج ترامپ از برجام براساس این نقد دیرینه بوده که برجام بدترین معامله‌ای است که امریکا تاکنون به آن وارد شده است. ترامپ مدعی است این معامله یا توافقنامه تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی علیه ایران را برمی‌دارد و درعوض محدودیت‌های اندکی را علیه فعالیت‌های هسته ایران وضع می‌کند و هیچ محدودیتی علیه دیگر رفتارهای بدخواهانه ایران اعمال نمی‌کند. در نتیجه، وی در اعلامیه خود بیان داشت: «من تصمیم گرفتم که منافع ملی امریکا ایجاب می‌کند که تحریم‌های برداشته‌شده مجدداً علیه ایران اعمال شود» (Foor, 2018: 2). اعاده تحریم‌ها بیانگر الگوی تهاجمی امریکا و انفعال راهبردی سایر قدرت‌های بزرگ در ارتباط با سیاست‌های دونالد ترامپ بوده است.

ترامپ و کابینه‌اش با هدف به‌پای میز مذاکره کشاندن ایران برای دستیابی به یک توافق مطلوب امریکایی، تلاش خواهند نمود تا تحریم‌های شدید اقتصادی را تا آنجا که وزارت خزانه‌داری امریکا، اقتصاد ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد، ادامه دهند و از سوی دیگر برنامه ایجاد اختلال و ناآرامی در داخل کشور را همراه با بالابردن حس نارضایتی عمومی از حاکمیت به‌صورت هم‌زمان پیش ببرند (افضلی، ۱۳۹۷: ۴). گرچت و تکیه از اعضای بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، عنوان کرده‌اند: «واشنگتن باید بار دیگر تحریم‌های فلج‌کننده‌ای برای مقابله با شبکه حامی ملاها که برای قدرتشان اهمیت اساسی دارد، تحمیل نماید. فرمولی که منجر به فروپاشی امپراتوری قدرتمند شوروی شد، حتماً می‌تواند آقای خامنه‌ای و سپاه پاسداران را به‌زیر بکشد» (Gerecht & Takeyh, 2017: 11). مطلوب دولت ترامپ توافقی است که قدرت ایران را هرچه‌بیشتر محدود کرده؛ تسلط امریکا بر منطقه را تسهیل و



رضایت خاطر متحدان منطقه‌ای آمریکا را جلب کند. از این رو، این دولت به روش‌های مختلف تلاش کرد برجام را به شکست کشانده و تحریم‌های سنگین را با شدت بیشتر از گذشته بازگرداند. در واقع، ترامپ درصدد است با ایجاد فشار و تحریم، تهران را برای شروع مذاکرات مجدد و فراگیر به پای میز مذاکره بکشاند، به گونه‌ای که در این مذاکرات به منافع حداکثری دست پیدا کند. این درحالی است که بزرگترین خواسته ایران در مذاکرات برجامی و انعقاد توافق هسته‌ای، رفع تحریم‌هایی بود که از سوی شورای امنیت، اتحادیه اروپا و آمریکا وضع شده بودند. ترامپ نه تنها تحریم‌های یکجانبه کشورش در موضوع هسته‌ای را بازگرداند، بلکه اعلام کرد؛ تحریم‌های جدیدتری نیز به آنها اضافه خواهد شد. وی در این باره تصریح کرد: «ما بالاترین سطح تحریم اقتصادی را برقرار خواهیم کرد. هر ملتی که به ایران در پیگیری تسلیحات هسته‌ای کمک کند، ممکن است قویاً هدف تحریم آمریکا قرار گیرد» (Trump, 2018a: 13). تصمیم دولت آمریکا با واکنش‌های منفی گسترده‌ای از جمله توسط سران دولت اوپاما مواجه شد. در این راستا؛ متحدان نزدیک واشنگتن در اروپا با تقبیح این تصمیم، مجدداً تأکید کردند که توافق هسته‌ای توافقی چندجانبه است و لغو یکجانبه آن قابل پذیرش نخواهد بود. رئیس‌جمهور آمریکا، اساساً بر آن بوده که هر چند تحریم‌ها به عقب‌نشینی محدود ایران در برنامه هسته‌ای ایران کمک کرد، اما دولت اوپاما توافق خوبی امضا نکرد. آمریکا درازای رفع تحریم‌ها باید از ایران چیزهای بیشتری در چارچوب منافع آمریکا طلب می‌کرد. بر این اساس، خود توافق نیاز به اصلاح دارد و در صورت عدم همکاری ایران، دلیلی بر ادامه تعهد آمریکا به برجام وجود ندارد.

از دیدگاه جان مرشایمر اگرچه گفتمان عمومی پیرامون سیاست خارجی آمریکا همواره به زبان لیبرالیسم ادا می‌شود، اما این کشور در حوزه عمل غالباً مطابق با منطق رئالیسم رفتار می‌کند و به زبان قدرت سخن می‌گوید. از این جهت، بین عملکرد واقعی سیاست خارجی آمریکا و آنچه بدان تظاهر می‌کند، شکاف عمیقی وجود دارد... دیگر باید برای ناظران روابط بین‌الملل روشن شده باشد که آمریکا برخلاف آنچه می‌گوید، عمل می‌کند. در دوران ترامپ، آمریکا احترامی برای مقررات و هنجارهای بین‌المللی قائل نیست و با برخورد گزینشی، استانداردهایی دوگانه اتخاذ می‌کند (سلیمان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۶). این ادعا که برجام توسط ایران به خوبی اجرا نمی‌شود، هیچ حامی‌ای در کشورهای دیگر عضو برجام ندارد. این درحالی است که در گزارش بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصریح شده است؛ برنامه هسته‌ای ایران به سمت اهداف نظامی منحرف نشده است و هیچ نوع نقضی به جز یک‌سری نقض‌های کوچک کشف نشده است (Manson, 2017: 4). آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین ادعای ترامپ مبنی بر اینکه ایران مسئولان خود را



به بازرسی از سایت‌های نظامی تهدید می‌کند، نپذیرفته است (International Atomic Energy Agency, 2017: 1). برعکس، یوکیا آمانو، مدیرکل پیشین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اعلام کرد که رژیم شفافیت و نظارتی که از طریق برجام اعمال شده است، قدرتمندترین رژیم نظارت و شفافیت در جهان است و به آژانس این امکان را می‌دهد تا به همه سایت‌های موردنیاز دسترسی پیدا کند و اهمیت نظارت بر سایت‌های هسته‌ای به صورت آشکار برجسته‌سازی شده است (Manson, 2017: 5). نکته قابل توجه اینک؛ ترامپ در صحبت‌های خود به این مسئله اشاره کرد که آمریکا آمادگی انجام مذاکرات جدید را دارد که از دید آمریکا شامل مذاکرات فراگیرتر می‌شود. از سوی دیگر، ایران نیز اعلام کرده که آماده مذاکرات در برخی حوزه‌ها و با شرایط خاص با اتحادیه اروپاست. البته باید منتظر ماند که اروپایی‌ها تاچه‌اندازه می‌توانند تضمین‌های لازم را به ایران بدهند (ابوالفتح، ۱۳۹۷: ۲).

ظریف، در کتاب "آقای سفیر" می‌گوید که امنیتی‌سازی پرونده هسته‌ای ابزاری در دست آمریکا بود که بتواند علیه ایران اجماع ایجاد کند و با جمهوری اسلامی برخورد کند. او می‌گوید: «هدف آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی تبدیل ایران به یک تهدید امنیتی بین‌المللی بود. اصولاً هدف سلطه این است که دشمنان خود را به‌عنوان دشمنان همه معرفی کند. لذا آمریکا پس از انقلاب اسلامی لاقلاً سه‌بار تلاش کرد که ایران را به شورای امنیت ببرد و تحریم بین‌المللی علیه آن اعمال کند. یک‌بار در قضیه گروگان‌گیری بود؛ یک‌بار در قضیه نپذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران بود و بار سوم نیز در قضیه هسته‌ای است.... هدف آمریکا صرفاً اعمال تحریم یا فشار بر ایران نیست؛ بلکه آمریکا می‌خواهد ایران را به یک تهدید امنیتی بین‌المللی تبدیل کند» (دارینی، ۱۳۹۸: ۱۸۲). در واقع، غرب درصدد انتقال این پیام به تهران است که آزمایش مداوم موشک‌های بالستیک میان‌برد که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای هستند و توسعه قابلیت موشک‌های بالستیک دوربرد یا بین‌قاره‌ای، می‌تواند یک حرکت بی‌ثبات‌کننده‌ای باشد که به پاسخ و واکنش از سوی آمریکا و اروپا منجر می‌شود (Goldenberg & Rosenberg, 2018: 2). انتصاب مایک پومپئو به‌عنوان وزیر امور خارجه و جان بولتون^۱ به‌عنوان مشاور امنیت ملی، نشان می‌دهد که دولت ترامپ بعید است خود را با تغییرات ظاهری راضی کند. پومپئو که یک ستیزه‌گرای سرسخت برای ایران و بولتون که معمار غیرقانونی جنگ عراق است، عملاً از اقدام نظامی علیه ایران حمایت می‌کنند (Tabatabai, 2018: 4). درعین حال، جایگزینی سناتور کوربین^۲ به‌عنوان عضو

1. John Bolton
2. Corbin



ارشد دموکرات کمیته روابط خارجی مجلس سنا با یکی دیگر از ستیزه‌گرایان ایران، یعنی باب مندز^۱، فرصت مجلس سنا برای یافتن رأی کافی جهت تصویب قانون موردتقاضای ترامپ را دوچندان می‌کند (De Luce & Gramer, 2018: 2).

پمپئو، درخصوص خروج دولت ترامپ از برجام گفت: «ترامپ از برجام خارج شده، زیرا برجام نتوانست تضمینی در برابر ریسک ایران ایجاد کند... ایران از پول‌های برجام برای دامن‌زدن به جنگ‌ها در غرب آسیا (خاورمیانه) استفاده کرد و در زمان برجام حرکت خود در منطقه را توسعه داد» (علی‌تبار و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۱). نقشه راه دیپلماتیک پومپئو نسبت به ایران به موازات خروج ترامپ از برجام را می‌توان در زمره الگوهای محدودکننده قدرت هسته‌ای و راهبردی ایران توسط امریکا دانست؛ فرایندی که زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری نشانه‌هایی از تهدید علیه ایران را امکان‌پذیر می‌ساخت. نظریه‌پردازانی همانند «اندرو تراف»^۲ به این موضوع اشاره داشته‌اند که روند دیپلماسی هسته‌ای امریکا معطوف به الگوهای از محدودسازی قابلیت راهبردی ایران بوده و این امر به‌گونه مشهودی به‌عنوان سیاست رسمی امریکا تلقی می‌شود؛ سیاستی که می‌تواند آثار خود را در حوزه‌های راهبردی به‌جا گذارد (طباطبایی و ذوالقدرنیا، ۱۳۹۷: ۱۱۵). در این راستا؛ رئیس‌جمهور امریکا در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۸، ضمن هشدار جدید موافقت خود با تعلیق چهارماهه تحریم‌ها را اعلام کرد. او تصریح کرد: «این آخرین بار است که امریکا با تعلیق تحریم‌ها موافقت می‌کند، مگر اینکه اصلاحات جدی در برجام صورت گیرد». اصلاحات موردنظر وی عبارت بودند از نخست؛ ایران موافقت کند هر سایتی که بارزسان بین‌المللی برای راستی‌آزمایی برجام نیاز دارند، فوراً قابل دسترسی باشد؛ ثانیاً، محدودیت چندساله تعهدات برداشته شده و فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای همیشه تحت مراقبت و کنترل قرار گیرد؛ ثالثاً، محدودیت در فعالیت‌های موشکی ایران نیز به برجام اضافه شود، به‌نحوی که توسعه و آزمایش موشک‌های بالستیک قابل تجهیز به کلاهک هسته‌ای به‌مثابه نقض برجام تلقی شده و امریکا بتواند به‌سرعت تحریم‌های سنگین را برقرار کند. از نگاه ترامپ، باید این اطمینان برای امریکا فراهم شود که ایران حتی به ساخت سلاح هسته‌ای هم نزدیک نمی‌شود. کاخ سفید در عین حال مسئولیت اصلی پیشبرد اصلاحات در توافق هسته‌ای ایران را بر دوش اروپایی‌ها انداخت. رسانه‌های خبری به‌نقل از کاخ سفید اعلام کردند: «مذاکرات آینده امریکا بر سر توافق هسته‌ای با متحدان اروپایی‌اش خواهد بود، نه با ایران» (Holland & Lubell, 2017: 13). اما واقعیت مشارکت کشورهای ۵+۱ مخصوصاً اروپا را باید اهداف

1. Bob Menendez
2. Andrew Tropa

امنیتی دانست. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در مصاحبه‌ای با شورای روابط خارجی اروپا این‌گونه اظهار داشت: «ما نمی‌خواهیم ایران سلاح هسته‌ای تولید کند و برجام دقیقاً با همین هدف عمل می‌کند. من با گفتن این جمله آغاز کردم؛ چراکه اغلب درباره این موضوع می‌شنوم که اروپا عمدتاً انگیزه‌های اقتصادی یا ملاحظات تجاری دارد؛ موضوع این نیست. ما این کار را می‌کنیم تا از فروپاشی یک پیمان منع اشاعه هسته‌ای که در حال اجراست، جلوگیری و از یک بحران بزرگ امنیتی در غرب آسیا پیشگیری کنیم (طباطبایی و ذوالقدرنیا، ۱۳۹۷: ۱۲۲). ترامپ فهرستی از تقاضاهای خود را در ژانویه ۲۰۱۸، مطرح کرد. ترامپ می‌خواهد؛ کنگره قانونی را تصویب کند و اروپایی‌ها متعهد به آن قانون باشند و براساس آن قانون، محدودیت‌های موقت اعمال‌شده در برجام علیه برنامه هسته‌ای ایران به محدودیت‌های دائمی تبدیل شوند و عدم توسعه موشک‌های بالستیک و عدم توسعه سلاح‌های هسته‌ای را با هم در این محدودیت‌ها بگنجانند (Meredith (Rathbone and others, 2018: 12). هرچند که ایران در چارچوب قانون اقدامات متناسب و متقابل در اجرای برجام، باتوجه‌به موارد نقض این قانون ازسوی کشورهای غربی خصوصاً آمریکا، می‌تواند اقدامات مقتضی را در این زمینه اتخاذ کند و از حجم تعهدات خودش خصوصاً در زمینه میزان غنی‌سازی اورانیوم یا نصب تعداد سانتریفیوژها، بکاهد. در این صورت، باز هم کشور آمریکا به‌عنوان شروع‌کننده نقض برجام و چالش‌آفرین در اجرای یک تعهد مهم بین‌المللی معرفی خواهد شد (حاجی‌مینه و صالحی، ۱۳۹۷: ۲۳۴). ایران با دارا بودن مرزهای مشترک با ۱۵ کشور همسایه و همچنین دسترسی به آب‌های آزاد از امکانات زیادی برای دورزدن تحریم‌های اقتصادی برخوردار است. از نگاه ریچارد نفیو^۱، راهبرد ایران برای استقامت در برابر تحریم‌ها دارای اقدامات انحرافی بسیار پیچیده و گاه‌آ کامل بود. واسطه‌های تأمین اجناس و کالاها که برای ایران به‌صورت مخفیانه کار می‌کردند؛ شرکت‌های صوری را در نقاط مختلف دنیا تأسیس کرده بودند که اغلب این مسئله در جاهایی اتفاق می‌افتاد که مقررات و ضوابط ملی ضعیفی بر کار شرکت‌ها حاکم بود (پوراحمدی و بازوبندی، ۱۳۹۷: ۱۱۴). در واقع، ایران در تلاش است از تمام ظرفیت‌ها برای کم‌اثر یا بی‌اثر کردن تحریم‌ها، چه از طریق دورزدن تحریم‌ها و چه از طریق فعال کردن ظرفیت‌های درونی خود استفاده کند.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)، رهبر معظم انقلاب، به‌دلیل خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و چشم‌انداز مبهم همکاری کشورهای اروپایی با ایران، در ۱۴ خرداد ۱۳۹۷، اظهار داشت: «ملت و دولت ایران تحمل نمی‌کند هم تحریم شود و هم در



محدودیت و حبس هسته‌ای باشد؛ سازمان انرژی هسته‌ای موظف است سریعاً مقدمات و آمادگی لازم برای رسیدن به ۱۹۰ هزار سو را - فعلاً در چارچوب برجام - فراهم کند و برخی مقدمات دیگر را که رئیس‌جمهور دستور داده از همین فردا آغاز کند» (سلیمان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۷). در نظام هرج و مرج گونه بین‌الملل، بی‌اعتمادی و عدم صداقت و شیوع فریب و تقلب نهادینه شده است و جز با راستی‌آزمایی گام‌به‌گام و نه اعتماد!! نمی‌توان منافع ملی و امنیت ملی را تأمین نمود. در این میان، خروج ترامپ از توافق هسته‌ای، دست ایران را برای غنی‌سازی اورانیوم باز می‌کند و همان‌قدر که آمریکا به این توافق متعهد نمی‌ماند، ایران هم خود را ملزم به تعهد به توافق هسته‌ای نمی‌بیند. بیرون آمدن ترامپ از برجام نیز می‌تواند روابط ترنس - آتلانتیک را تحت تأثیر جدی قرار دهد و از میزان اعتماد امریکایی‌ها نزد اروپا بکاهد. این اقدام ترامپ همچنین موجب تیره‌شدن روابط آمریکا با هم‌پیمانان آسیایی آن نظیر کره جنوبی، ژاپن و هند می‌شود. این سه کشور قدرتمند آسیایی در راستای سیاست‌های آمریکا و توافق هسته‌ای میزان واردات نفت از ایران را کاهش دادند و با پایبند نبودن آمریکا به تعهدات خود، نمی‌توان پابندی آنان به تحریم‌های یک‌طرفه آمریکا علیه ایران را انتظار داشت. خروج از برجام به همان اندازه می‌تواند آینده مذاکرات احتمالی آمریکا با کره شمالی را به خطر بیندازد. اگر آمریکا از موضع خود نسبت به ایران عقب‌نشینی کند، کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، دلیلی برای اعتماد به ترامپ در طول مذاکرات هسته‌ای و برنامه موشکی پیونگیانگ نخواهد داشت. تأثیر بعدی اقدام ترامپ در تخریب برجام را باید در روابط ایران با قدرت‌های بلوک شرق همچون روسیه، چین و هند مشاهده کرد. بر این اساس، جهت‌یابی ژئوپلیتیک ایران به‌طور قابل مؤثری به سمت توسعه گسترده همکاری‌های تجاری - امنیتی - سیاسی و بین‌المللی با قدرت‌های بلوک شرق خواهد بود (حاجی‌مینه و صالحی، ۱۳۹۷: ۲۳۴). در نهایت اینکه راهبرد اعلام‌شده از سوی ترامپ در مورد ایران نشان می‌دهد واشنگتن قصد دارد فشارها و اقدامات همه‌جانبه‌ای را علیه ایران پی‌ریزی کند. برای مقابله با آن، ایران نیاز به یک راهبرد منسجم و حساب‌شده دارد که حاصل اجماع در سطح نخبگان سیاسی است؛ به‌گونه‌ای که از دامن‌زدن به شکاف‌های داخلی در این مقطع زمانی پرهیز نمود و با به‌کارگیری سیاست "دفاع تهاجمی" و تقویت همه‌جانبه "محور مقاومت" با هدف توسعه "عمق استراتژیک" انقلاب اسلامی، جلوی ماجراجویی‌های جدید غرب و آمریکا در حوزه‌های مربوط به ایران گرفته شود، زیرا می‌توان خروج ترامپ از برجام را در چارچوب راهبرد جدید این کشور و تکه اول از پازل این کشور دانست که به‌زعم خود می‌خواهند ایران را در پایان این راهبرد، به پای میز مذاکره و پذیرش یک توافق جدید وادار نمایند.



دکترین (رهنامه) سیاست خارجی اروپا در قبال برجام

توافقنامه برجام نه تنها ماحصل سال‌ها مذاکره میان ایران با قدرت‌های جهانی امریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین و آلمان بوده است؛ بلکه یک توافق مهم در تاریخ مناسبات میان ایران و اتحادیه اروپا به حساب می‌آید که قابلیت تأثیرگذاری در بخش‌های مختلف روابط ایران با این اتحادیه را دارا می‌باشد (حاجی‌مینه و صالحی، ۱۳۹۷: ۲۲۷). اتحادیه اروپا براساس چارچوب توافق برجام، سعی دارد روابط سیاسی و تجاری خود را با ایران بازسازی نماید. لغو تحریم‌های یکجانبه‌ای که اتحادیه اروپا در زمان تنش هسته‌ای علیه ایران وضع کرده بود، کمک به ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و گشایش دفتر این اتحادیه در تهران، از جمله اقدامات عملی می‌باشد که در دوران پس‌برجام از جانب این اتحادیه در دستور کار قرار گرفت» (میرحسینی و عسکری، ۱۳۹۵: ۵). حفظ برجام و تعامل با ایران برای اروپا از منظر امنیتی بسیار حائز اهمیت است. واقعیت این است که از دست رفتن برجام، منافع اروپا را بسیار بیشتر از منافع امریکا تحت‌الشعاع قرار خواهد داد (Alcaro, 2018: 16). از این رو، بعد از به چالش کشیدن برجام از سوی ترامپ، موگرینی که خود در کانون مذاکرات هسته‌ای قرار داشت، به دفاع از این توافق برخاست و متذکر شد که پایدار ماندن برجام و اجرای آن از اولویت‌های اتحادیه اروپاست. وی هشدار داد که برجام یک توافق دوجانبه نیست، بلکه توافقی چندجانبه است که شورای امنیت سازمان ملل هم بر آن صحنه گذاشته است (حاجی‌مینه و صالحی، ۱۳۹۷: ۲۳۰).

اروپایی‌ها با تفکیک مسئله هسته‌ای از دیگر مسائل مرتبط با ایران معتقدند در شرایط فعلی برجام بهترین ابزار برای کنترل و محدود کردن فعالیت‌های ایران است. در این میان، امانوئل ماکرون^۱، رئیس‌جمهور فرانسه، به صورت هم‌زمان ضمن طرفداری از حفظ برجام از ضرورت محدودسازی توان دفاعی موشکی و نقش منطقه‌ای ایران سخن می‌گوید. نتیجه نهایی اینکه تهدیدهای صریح ایران برای خروج از "ان.پی.تی" در پی خروج امریکا از برجام، فعالیت لابی‌های اروپایی و مجموعه استدلال‌هایشان در مورد کارایی برجام در اعمال محدودیت بر ایران و تعهد آنها برای همکاری جهت محدودسازی توان دفاع موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران، باعث می‌شود تا احتمالاً ترامپ تحریم‌های هسته‌ای مربوط به ایران را بار دیگر تمدید کند (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۷: ۱۰) و در این راستا؛ با اعمال فشار و تحریم علیه ایران به ایجاد بی‌ثباتی‌های درونی ایران و کاهش نقش و نفوذ منطقه‌ای این کشور مبادرت ورزد. دفاع از معاهده هسته‌ای، با اعمال و نه تنها کلمات، مطلوب‌ترین اقدام برای اروپاست، حتی اگر آن را در معرض خطر اختلاف با واشنگتن قرار دهد.

1. Emmanuel Macron



براین اساس، گفتمان اروپایی در پی این است تا روابط بهتری با تهران داشته باشد. برای اتحادیه اروپا و اعضای آن توافق هسته‌ای و تعهد به مفاد آن قطعاً مهم است و تمام کشورهای عضو این اتحادیه خود را ملزم به اجرا و تبعیت از آن می‌دانند. لذا برای حفظ آن و ماندن ایران در چارچوب برجام علی‌رغم خروج امریکا و بازگرداندن تحریم‌های یکجانبه، اروپایی‌ها درصدد ارائه یک "سازوکار ویژه مالی"^۱ در روابط خود با ایران بر آمدند؛ با این رویکرد که بتوانند مانع تأثیر تحریم‌ها بر تعاملات تجاری و مالی اروپایی‌ها با ایران شوند (Batmanghelidj & Hellman, 2018: 2). اگر اروپایی‌ها با فشار تسلیم امریکا شوند و به این ترتیب با نقض برجام موافقت کنند، آنها سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود را به طور کامل تحت سلطه امریکا قرار خواهند داد. در مقابل، دفاع از برجام به آنها این اجازه را می‌دهد تا در منطقه فرصت و نفوذ بیشتری داشته باشند، زیرا این امر موجب تقویت اعتبار بین‌المللی اروپا خواهد شد و این خود به نفع ایران است. در عین حال، اروپایی‌ها باید دنبال توافقی با امریکا در مورد مسائلی باشند که می‌توانند بر آن توافق کنند (Alcaro, 2018: 16). از این رو، اروپا جهت تأمین اهداف و منافع خود باید نقش مستقل تری را در ژئوپلیتیک غرب آسیا (خاورمیانه) ایفا و همکاری‌های بین‌المللی خود را در این راستا تعریف کند. بنابراین، چگونگی مدیریت مسئله هسته‌ای توسط اروپا نقش حیاتی در تأمین منافع و جایگاه این اتحادیه در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت.

در حقیقت، خروج یکجانبه امریکا از برجام، نه تنها خطر رقابت تسلیحات هسته‌ای در غرب آسیا (خاورمیانه) و حتی فراتر از آن را افزایش داده، بلکه به نقض قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و تضعیف هرگونه تلاش برای ممانعت از گسترش سلاح‌های هسته‌ای از طریق دیپلماسی چندجانبه، منجر می‌شود. ترامپ پس از خروج از برجام از امضاکنندگان این توافقنامه به‌ویژه اروپایی‌ها خواست برای گنجاندن محدودیت‌هایی در برنامه‌های بالیستیک ایران با تهران وارد مذاکره شوند. تمامی امضاکنندگان این توافقنامه با درخواست‌های امریکا مخالفت کردند؛ زیرا علاوه بر مسائل امنیتی، مسائل اقتصادی و تجاری نیز برای آنها حائز اهمیت بود. از نظر آنها توافقنامه هسته‌ای ایران، مادامی‌که این کشور به تعهدات خود در قبالت قطعنامه عمل کرده و این مسئله بارها توسط سازمان بین‌المللی انرژی اتمی تأیید شده است، هیچ دلیلی برای لغو توافقنامه و یا بازنگری در آن وجود ندارد (Abdelbari, 2018: 8). اروپا، چین و روسیه همه موافق هستند که ایران کاملاً طبق برجام عمل نموده است. ترامپ مسئولیت حفظ و تداوم برجام را برعهده اروپایی‌ها و کنگره گذاشته است. او انتظار دارد اروپایی‌ها سرانجام با وی

در یک مسیر قرار بگیرند. اروپایی‌ها با یک انتخاب سخت بین دو گزینه مواجه هستند. هیچ‌کدام از این دو گزینه برایشان جذاب نیست؛ یک گزینه این است که یا با قدرتمندترین متحد خود یکی شوند؛ گزینه دیگر اینکه شکاف فرآتلانتیکی را به‌خاطر توافقنامه‌ای که در آن سرمایه سیاسی عظیمی انجام داده‌اند را به‌جان بخرند. نقش اروپا در فرایندی که منتهی به برجام شد، مهم و حیاتی بود. قبل از سال ۲۰۰۳، وقتی بحران هسته‌ای ایران اوج گرفت، فرانسه، آلمان و انگلیس اولین کشورهایی بودند که در گفتگوهای هسته‌ای با ایرانی‌ها شرکت کردند و بسیار هم سود بردند و آنها خلاً دیپلماتیکی را که توسط دولت بوش برای گفتگو با ایران به‌وجود آمده بود و نیز شورای امنیت که به‌خاطر اختلافات بر سر عراق دچار سردرگمی بود، پر کردند. البته اروپا و متحدانش از ترکیب دوگانه تحریم و دیپلماسی علیه ایران استفاده کردند. اگر اروپا با محدود کردن دسترسی ایران به بازارهای مالی موافقت نمی‌کرد یا اگر ارائه بیمه و خدمات بیمه‌ای برای نهادها و کشتی‌های ایرانی را ممنوع نمی‌کرد، یا اگر واردات نفت از ایران را تحریم نمی‌کرد، قطعاً رژیم تحریم‌ها فاقد اثربخشی لازم بود (European External Action Service, 2017: 3-4).

آلمان به‌تنهایی حدود ۲/۶ میلیارد یورو کالا در سال ۲۰۱۶ به ایران صادر کرده است و این در مقایسه با دوره مشابه حدود ۲۵ درصد رشد نشان می‌دهد. اقدامات سیاسی و اقتصادی متعددی باعث تقویت و ارتقای این توسعه شده است. بیش از ۱۰۰ شرکت تجاری آلمان در مجمع تجاری ایران و آلمان در تهران در می ۲۰۱۶ شرکت کردند. در ژوئن ۲۰۱۶، ایران بدهی‌های جالب‌توجه خود که تقریباً ۵۷۳ میلیون یورو بود، برای همرس بازپرداخت کرد و بعد از آن تاریخ، ضمانت‌های اعتباری صادرات یا همرس مجدد برای تجارت با ایران برقرار شد. بعد از ۱۵ سال، کمیسیون مشترک اقتصادی ایران - آلمان در ۳ اکتبر ۲۰۱۶ در تهران جلسه‌ای برگزار کردند و منجر به توافقنامه‌های متعدد درخصوص سرمایه‌گذاری‌های آلمان در ایران شد (اما هیچ‌کدام اجرایی نشد، چون ضمانت اجرایی نداشتند). زیگمار گابریل^۱، وزیر خارجه آلمان، در نوامبر ۲۰۱۷، برای ملاقات با همتای امریکایی خود یعنی تیلرسون به امریکا سفر کرد. یکی از مهم‌ترین موضوعات در این سفر بحث معامله هسته‌ای ایران بود. گابریل قبل از عزیمتش به امریکا چنین گفت: «این نکته مهم است که همه طرف‌ها سخت به توافقنامه هسته‌ای پایبند باشند. این توافقنامه مانع تولید سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران می‌شود. بنابراین، منطقه را امن‌تر می‌کند». وی در ادامه افزود: «اگر توافقنامه مذکور شکست بخورد، این پیام مخربی را درخصوص تشدید نظامی‌گری و مسابقه تسلیحاتی ارسال می‌کند (هم در سطح منطقه و



هم در سطح جهان)... هدف نهایی محدودکردن و مهار جنگ‌های منطقه‌ای از طریق سازوکارهای تنظیم‌کننده است» (Wohlfeld, 2018: 9- 10).

روابط ژئواستراتژیک در سراسر غرب آسیا (خاورمیانه) بسیار بی‌ثبات است و اگر جلوی تشدید خصومت‌ها و مسابقات تسلیحاتی گرفته نشود، قطعاً برجام فرو می‌پاشد. چنین تغییر جهتی در رویدادهای منطقه یک بلای بین‌المللی است. باتوجه‌به این حقیقت که منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) از قبل دچار مصائب ناگوار انسانی بوده و منطقه بیش‌ازحد نظامی و امنیتی شده است؛ تقویت ثبات در منطقه پیش‌شرط جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی است که کشورهای مدیترانه جنوبی در تحقق آرزوها و آمال شهروندان خود ناامید هستند. وخامت روابط با ایران تأثیرات مخرب و ویرانگری بر روابط منطقه‌ای و بین‌المللی در نواحی اروپا و مدیترانه دارد. فروپاشی برجام سبب فرستادن امواج شوکه‌کننده در تمام مدیترانه شده و روابط اعراب با اروپا و آفریقا با اروپا را تضعیف نموده و سیاست خارجی امریکا در غرب آسیا (خاورمیانه) را تحت‌الشعاع قرار داده است (Wohlfeld, 2018: 5- 6). به‌نظر می‌رسد؛ مسئله فروپاشی احتمالی برجام ازمنظر تأثیر بر تضعیف نهادهای بین‌المللی چون "ان.پی.تی" و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در یک کلام، رژیم اشاعه برای اروپا واجد اهمیت است. دیگر آنکه، نقش‌آفرینی جهانی اروپا تا حدود زیادی منوط به حفظ رژیم‌های بین‌المللی موجود در چارچوب نظم قاعده‌محور نظام بین‌الملل است. در این چارچوب، ایران باید با استفاده از ظرایف دیپلماتیک این پیام را به طرف اروپایی منتقل می‌کند که فروپاشی احتمالی برجام ضمن اینکه جایگاه اروپا را در تنظیم دستور کار جهانی با چالش مواجه می‌کند، می‌تواند رژیم اشاعه را با مخاطراتی جدی مواجه سازد؛ واقعیتی که باتوجه‌به قرابت ژئوپلیتیکی اروپا به غرب آسیا (خاورمیانه) بیش و پیش از هر قدرت جهانی دامنگیر اروپا خواهد شد (مفیدی‌احمدی، ۱۳۹۷: ۴). درواقع، تهران باید درصدد ارسال این نشانگان به اروپا باشد که شکست برجام به‌احتمال‌زیاد سطح دسترسی اروپا به توانایی یکی از مهم‌ترین بازیگران امنیت‌ساز منطقه یعنی ایران را که ازجمله نقش بی‌بدیلی در شکست داعش داشته است، بسیار محدود می‌کند. در این شرایط، اهمیت ایران و برجام به‌عنوان یکی از عوامل مهم و ثبات‌ساز منطقه‌ای در کانون سیاست منطقه‌ای اتحادیه اروپا قرار گرفته است. به سبب همین اهمیت و ضرورت است که حتی با وجود خروج ترامپ از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها، اروپایی‌ها دنبال حفظ برجام و تأسیس یک سازوکار ویژه برای دورزدن تحریم‌های امریکا علیه ایران، مشارکت متوازن منطقه‌ای برای حفظ موازنه میان ایران و مخالفان منطقه‌ای آن، خودداری از رویکردهای تنش‌آمیز در فعالیت‌های منطقه‌ای و برنامه موشکی ایران و

همچنین نشان دادن حساسیت کم‌تر در موضوع حقوق بشر هستند. این روندها همان فرصتی است که شکاف و واگرایی در روابط فرآتلانتیک، پیش روی سیاست خارجی ایران قرار داده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌گونه‌که در مباحث مقاله مطرح شد؛ ترامپ براساس نئورئالیسم تهاجمی و سیاست خارجی یکجانبه‌گرایانه و شعارهای ساختارشکنانه پا به کاخ سفید گذاشت. مهم‌ترین هدف او جلوگیری از تنزل جایگاه اقتصادی - نظامی آمریکا در جهان به دلیل مشکلات عدیده داخلی و سیاست‌های خارجی غلط این کشور از جمله لشکرکشی‌های پرهزینه آمریکا در جهان خصوصاً غرب آسیا مانند حمله به افغانستان، عراق، سوریه و... و عدم دستاورد و موفقیت در این جنگ‌های پرهزینه بود. ترامپ، مهم‌ترین تهدید آمریکا را جایگاه روبه‌رشد اقتصادی - نظامی چین اعلام کرد که دیر یا زود رتبه اول قدرت جهانی را از آمریکا خواهد ربود. لذا در این راستا؛ با سیاست خارجی تهاجمی و یکجانبه‌گرایانه، بسیاری از ساختارها، استانداردها و حتی پیمان‌های بین‌المللی را به چالش کشید. افزایش تعرفه‌های تجاری و جنگ اقتصادی علیه چین و روسیه و حتی متحدین خود در اتحادیه اروپا و نفتا، اخذ هزینه‌های دفاعی مضاعف از متحدین خود در ناتو و هم‌پیمانان منطقه‌ای خود در خلیج فارس و خروج یکجانبه از پیمان‌های بین‌المللی مثل پیمان زیست‌محیطی پاریس، نفتا (قرار و تجارت آزاد آمریکای شمالی)^۱، پیمان‌های خلع سلاح اتمی و موشکی با روسیه، حمایت از برگزیت برای تضعیف توان اقتصادی اتحادیه اروپا به‌عنوان یک رقیب، سوءاستفاده از ابزار دلار و نظام بانکی - مالی سوئیفت و در نهایت خروج از برجام برای مهار قدرت اقتصادی - نظامی ایران در غرب آسیا (خاورمیانه) از جمله مواردی است که در این راستا قابل تحلیل است. گرچه پیش‌بینی اکثر تحلیل‌گران سیاسی و اقتصادی و حتی آمار و ارقام نشان می‌دهد که آمریکا در کوتاه‌مدت توانسته است رشد اقتصادی آمریکا را در حدود دو درصد افزایش دهد و حجم بیکاری را در داخل این کشور کاهش داده و تا حدودی رضایت داخلی شهروندان آمریکایی را فراهم کند؛ ولی در میان‌مدت و بلندمدت به دلیل هنجارشکنی و کاهش اعتماد و اعتبار بین‌المللی این کشور حتی بین متحدین خود، نتیجه معکوس برای حفظ و ارتقای جایگاه اقتصادی - نظامی این کشور در پی خواهد داشت و در نتیجه جایگاه روبه‌تنزل این کشور مجدداً احیا خواهد شد و رقبای این کشور از جمله چین، گوی سبقت در قدرت اول و دوم جهانی شدن را از آمریکا خواهند ربود.



1. North American Free Trade Agreement (NAFTA)

در این میان؛ هدف اصلی ترامپ از خروج از برجام، امنیتی‌سازی پرونده هسته‌ای ایران و ایجاد یک اجماع جهانی قوی‌تر از دوره اوباما علیه ایران و حداقل تحمیل یک قرارداد قوی‌تر با حداکثر امتیازگیری از ایران بود. امروزه بعد از بیش از یک سال از خروج ترامپ از برجام و پیش‌بینی‌های اولیه او یعنی حداکثر فروپاشی اقتصادی - سیاسی ایران و یا حداقل به‌پای میز مذاکره برگشتن ایران با شرایط امریکا تحت فشار اقتصادی و مذاکره مجدد با امریکا برای دادن حداکثر امتیازات به این کشور در مسیر محروم‌شدن از چرخه سوخت هسته‌ای، خلع سلاح موشکی و عدم حمایت از محور مقاومت و... همگی تاکنون با شکست روبه‌رو شده است. در بسیاری از موارد، اجماع بین‌المللی برای حمایت از امریکا در نابودی برجام و گسترش تحریم‌ها و ایجاد ائتلاف سیاسی، دیپلماتیک و نظامی علیه ایران نیز با شکست روبه‌رو شده است. براساس برآوردهای کارشناسان داخلی و خارجی، حتی ایران توانسته است در این مدت از گردنه خطرات حداکثری آثار تحریم‌ها عبور کرده و به‌نوعی به ثبات اقتصادی در مهار تورم و تثبیت قیمت ارز دست یافته و بر بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از تحریم‌های امریکا بعد از خروج از برجام غلبه کند. در خلیج فارس نیز ایران در مسئله ناامن‌کردن تنگه هرمز پس از حملات به کشتی‌های نفتی و ساقط کردن پهباد امریکا و... دست برتر را داشته و تا حدودی توانسته است تهدیدات نظامی امریکا علیه خود را خنثی کند. همچنین ایران سیاست امریکا و متحدین منطقه‌ای واشنگتن همچون عربستان، امارات عربی و... در صف‌آرایی و مواضع تهاجمی آنها علیه ایران و ادامه جنگ در یمن را به موضع تدافعی و انفعالی کشانده است. خروجی کلی سیاست‌های ترامپ علیه ایران در منطقه باعث آشکارشدن بیش‌ازپیش قدرت نظامی - اقتصادی ایران و حتی ارتقای اقتدار آن در منطقه و جهان و ایجاد ترس و یأس و ناامیدی برای موفقیت سیاست فشار حداکثری تحریم امریکا علیه ایران شده و اعترافات بخش عمده صاحب‌نظران غربی مبنی بر توانمندسازی شاخص‌های خاص اقتصادی - نظامی ایران در مهار آثار این تحریم‌ها روزبه‌روز نمود بیشتری از خود نشان داده است. اغلب تحلیل‌های اخیر کارشناسان داخلی و خارجی پیرامون سیاست خارجی ترامپ حاکی از این است که سیاست خارجی تهاجمی و یکجانبه‌گرایی ترامپ در مسائل بین‌المللی به‌طورکل و درمورد خروج یکجانبه از برجام به‌طور خاص سیاستی غیرمنطقی، غیرعقلانی، ناکارآمد و در بلندمدت شکست‌خورده خواهد بود.

خروج امریکا از برجام می‌تواند نشانه‌ای از تقویت روابط عربستان و امریکا باشد. روابطی که در سال‌های آخر ریاست‌جمهوری باراک اوباما به‌شدت به سردی گراییده بود. در این بین؛ گرچه قتل کمال خاشقجی، ستون‌نویس روزنامه "واشنگتن پُست" روابط امریکا و عربستان را



تحت تأثیر قرار داد، ولی این تأثیر ناچیز بود. در این راستا باید گفت؛ اگر چه کنگره، خواهان به کارگیری و اعمال فشار بر عربستان برآمده است؛ ولی دولت ترامپ باتوجه به نقش و جایگاه ریاض در سیاست‌های نفتی و تسلیحاتی واشنگتن در منطقه، مانع از به هم خوردن مناسبات و ایجاد تنش در روابط ریاض - واشنگتن است. لذا باتوجه به روابط رو به بهبود دو کشور، تداوم سیاست مشترک فشار و مهار ایران در منطقه همچنان حفظ خواهد شد و هیچ‌گونه تغییری در سیاست‌های خصمانه دو کشور در قبال تهران و کاهش توان موشکی ایران، شکل نخواهد گرفت. همچنین باید گفت با توجه به انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری آمریکا؛ در صورت پیروزی دموکرات‌ها تهران با دو گزینه روبه‌رو خواهد بود؛ نخست، در صورتی که دموکرات‌ها بدون پیش‌شرط ایران را به پای میز مذاکره بکشانند، از شدت فشارها و تحریم‌ها علیه تهران کاسته خواهد شد و در صورتی که با قراردادن پیش‌شرط به پای میز مذاکره حاضر شوند، تهران باید انتظار بالاگرفتن فشار بر پرونده هسته‌ای و موضوعات منطقه‌ای را داشته باشد. در نهایت می‌توان گفت، اگر چه اروپا و آمریکا در خصوص کاهش توان موشکی ایران و مهار قدرت و نفوذ آن در منطقه، سیاست واحدی را دنبال می‌کنند؛ اما اروپا خواهان ماندن دولت ترامپ در برجام و عمل کردن به تعهدات خود در چارچوب برجام است. به نظر می‌رسد برای اروپایی‌ها، حفظ برجام کم‌تر از لغو آن هزینه دربر داشته باشد؛ چراکه این کشورها با ایران منافع اقتصادی مشترکی دارند که در صورت لغو برجام، این کشورها متحمل ضررهای بسیاری خواهند شد. از این رو، در حال حاضر آنچه که به نظر می‌رسد؛ حفظ برجام و ارائه راهکارهایی توسط اروپایی‌هاست. البته به نظر می‌رسد حتی اگر اروپا هم یک نیت و قصد واقعی برای نجات برجام داشته باشد، با آنچنان محدودیت‌هایی برخوردار است که توان بالقوه این امر از عهده آنان بر نخواهد آمد. از سویی، ایران باید برای مقابله با تهدیدات و فشارهای فزاینده غرب به‌ویژه آمریکا، ضمن حفظ اتحاد و انسجام داخلی، با کاربست "دیپلماسی اقتدار" در راستای به صفر رساندن نفوذ واشنگتن در منطقه گام بردارد و ضمن توجه جدی‌تر به اقتصاد مقاومتی و تقویت اقتصاد داخلی از طریق حمایت از کالاهای تولید داخل، سعی کند تا روابط اقتصادی و تجاری را با کشورهای همسایه از قبیل روسیه، چین، ترکیه، هند و... تقویت کند. یکی از گزینه‌های دیگر که برای ایران قابل تصور است، استفاده از کارت بسیار قوی جبهه مقاومت است. ایران می‌تواند از طریق به کارگیری جبهه مقاومت در کشورهای سوریه، لبنان، یمن، عراق و فلسطین به نیروهای آمریکایی در منطقه غرب آسیا فشار آورد، به طوری که با بالابردن هزینه‌های آمریکا در منطقه، حاضر به مذاکره با تهران در شرایط برابر یا کوتاه آمدن در مقابل ایران شود. به نظر می‌رسد باتوجه به گسترش واگرایی و شکاف



پیش‌آمده در روابط فراآتلانتیک، تحت تأثیر مسئله برگزیت، جمهوری اسلامی ایران می‌باید روابط خود با اتحادیه اروپا را تقویت بخشد و از این طریق ضمن ممانعت از اعمال تحریم‌های اروپایی علیه تهران، به استقلال هرچه‌بیشتر سیاست‌های منطقه‌ای اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا کمک کند که این امر می‌تواند برگ برنده‌ای در دست تهران در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن در قبال ایران محسوب شود. از جمله اقدامات دیگری که ایران نیز باید انجام دهد، این است که همچنان با اعضای باقیمانده در برجام موسوم به ۴+۱، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌گونه‌ای رفتار کند که اعتمادسازی گذشته خود را از دست ندهد و سیاست تهدید و فشار ترامپ که در تلاش است اعضای ۴+۱ را نسبت به ایران بدبین کند، خنثی سازد.

نکته دیگر اینکه ایران باید با کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها وارد رایزنی‌های گسترده‌ای شود تا در صورت انعقاد پیمان‌های هسته‌ای خود با آمریکا و غرب، داستان برجام ایران برای آنها تکرار نشود؛ به‌گونه‌ای که قراردادهایی را در بحث هسته‌ای انعقاد کنند که یک طرفه قابل نقض نباشد که این خود می‌تواند در کنار ایران به ایستادگی و مقاومت اعضای این جنبش در مقابل زیاده‌خواهی‌های غربی‌ها کمک کند. همچنین لازم است ایران با کشورهای معارض آمریکا مثل چین، هند، روسیه، برزیل و کره شمالی همکاری‌های اتمی را توسعه و گسترش بخشد و از کشورهایی که در صدند مسئولیت‌هایی را با حمایت آمریکا به ایران تحمیل کنند، دوری گزینند. از آن مهم‌تر اینکه ایران با کشورهای تحریم‌شده مثل کره شمالی و حتی روسیه بیش‌ازپیش همکاری‌های تنگاتنگ در زمینه هسته‌ای را دنبال کند تا در واقع بتوانند یک بلوک مستحکم و مقاوم در برابر فشارها و زیاده‌خواهی‌های ترامپ از خود نشان دهند. نکته اساسی دیگر اینکه ایران باید سعی کند همچنان همکاری‌ها را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استمرار بخشد تا از بهانه‌جویی‌های آمریکا و دیگر اعضای گروه ۵+۱، جهت ارجاع مجدد پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد جلوگیری کند. در این راستا؛ ایران نیز باید نقش خود را در اوراسیا و شانگهای تقویت کند که این امر ضمن مهار فشارهای اتمی، می‌تواند تحریم‌ها را کنترل و خنثی سازد. نکته پایانی اینکه ایران باید با همسایگان خود ارتباط و تعامل بیشتری برقرار سازد و اختلافات منطقه‌ای خود با عربستان را نه از طریق تقابل و تنش، بلکه از طریق دیپلماتیک، حل و فصل نماید که این امر می‌تواند به کاهش فشارهای منطقه‌ای ترامپ در مقابل ایران منجر شود.



منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، کالبدشکافی مذاکره هسته‌ای ایران و امریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، فصلنامه پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۸، ش ۳۰: ۵۶ - ۹.
- ابوالفتح، امیرعلی (۱۳۹۷)، سه دلیل خروج ترامپ از برجام، روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۰ اردیبهشت، شماره ۴۳۶۷.
- افضل‌ی، توحید (۱۳۹۷)، خطوط جدید سیاست خارجی امریکا در دوران ترامپ، اندیشکده راهبردی تبیین، ۲۲ خرداد.
- اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۷)، برجام در کشاکش موافقان و مخالفان خروج امریکا، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۷.
- باقی مجرد، مهدی؛ وثوقی، سعید و ابراهیمی، شهرروز (۱۳۹۶)، بررسی و تبیین رابطه روسیه و امریکا براساس نظریه نئورئالیسم، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، ش ۳: ۲۰ - ۱.
- بصیری، محمدعلی و قاسمی، مصطفی (۱۳۸۵)، بررسی مواضع اتحادیه اروپا و امریکا درقبال پرونده هسته‌ای ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، سال چهاردهم، ش ۵۴: ۶۴ - ۲۵.
- بیات، محسن (۱۳۹۶)، تجربه تحریم؛ راهبردی برای شناخت آسیب‌پذیری‌ها و تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۶، ش ۸۴: ۱۰۸ - ۷۷.
- بیوک، محسن؛ فرجی‌راد، عبدالرضا و عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۷)، تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۱۰، ش ۳۴: ۵۰ - ۲۶.
- پوراحمدی، حسین و بازبندی، علی‌اکبر (۱۳۹۷)، تحلیل توافق هسته‌ای برجام براساس استعاره بازی دوسطحی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۷، ش ۲۵: ۱۲۰ - ۷۹.
- پورسعید، فرزاد و شاپوری، مهدی (۱۳۹۷)، دولت ترامپ و شوروی‌سازی جمهوری اسلامی ایران؛ چرایی و چگونگی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۱، ش ۳: ۱۰۱ - ۵۷.
- حاجی‌مین، رحمت و صالحی، اکرم (۱۳۹۷)، تجزیه و تحلیل دو گفتمان متعارض اروپا و امریکا درقبال برجام، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، ش ۲۷: ۲۴۴ - ۲۱۵.
- جعفری، علی‌اکبر و جانباز، دیان (۱۳۹۵)، تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، ش ۴۶: ۱۲۰ - ۹۳.
- دارینی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، راهبرد ایران در فناوری غنی‌سازی اورانیوم: دلایل و پیامدها، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۹، ش ۳۰: ۱۹۱ - ۱۷۵.
- درج، حمید و آقایی، سیدداود (۱۳۹۶)، جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، ش ۴۰: ۶۸ - ۳۹.
- درج، حمید و یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۸)، تحلیل استراتژی ایالات متحده امریکا درقبال جنبش مردمی بحرین، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۰، ش ۵۸: ۵۸ - ۳۴.



- دلیری، جواد (۱۳۹۶)، بررسی شاخص‌های برندسازی شخصی و سیاسی ترامپ و بازنمایی رسانه‌ای آن باتاکیدبر رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۱۶ ایالات‌متحده، فصلنامه رسانه، سال ۲۸، ش ۲: ۵۱-۲۵.

- سلیمان‌زاده، سعید؛ امیدی، علی و یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷)، تحلیل سازه‌انگاره ایران‌هراسی در سیاست خارجی آمریکا در دوران پسا‌برجام، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، ش ۵۴: ۱۲۴-۹۵.

- سیمبر، رضا؛ رحمدل، رضا و فلاح، مهسا (۱۳۹۵)، معمای امنیتی پرونده هسته‌ای ایران ازمنظر نئوواقع‌گرایی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، ش ۳۶: ۸۷-۱۰۶.

- طباطبایی، سیدمحمد و ذوالقدرنیا، حسین (۱۳۹۷)، دیپلماسی هسته‌ای ایران و اروپا و تأثیر آن بر امنیت بین‌الملل باتاکیدبر خروج آمریکا از برجام، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، ش ۳۹: ۱۳۳-۱۰۳.

- علی‌تبار، محمدباقر، نیاکوئی، سیدامیر و متقی، ابراهیم (۱۳۹۷)، ترامپ و راهبرد خاورمیانه‌ای آمریکا باتاکیدبر بحران سوریه؛ گسست یا تداوم، فصلنامه سیاست‌جهانی، دوره هفتم، شماره دوم: ۲۰۲-۱۷۳.

- محمدزاده ابراهیمی، فرزاد؛ ملکی، محمدرضا و وثوقی، سعید (۱۳۹۶)، دونالد ترامپ و میراث سیاست واقع‌گرایانه اوباما در خاورمیانه، فصلنامه سیاست‌جهانی، دوره ششم، ش ۲: ۱۵۳-۱۲۳.

- مفیدی احمدی، حسین (۱۳۷۹)، برجام و کنش‌های دیپلماتیک ایران در مواجهه با اروپا، خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۹ تیر ۱۳۹۷، قابل‌بازیابی در:

<https://www.isna.ir/news/97041910440/>

- میرحسینی، سیدمحسن و عسکری امیرحسین (۱۳۹۵)، برگزیت و امنیت جمهوری اسلامی ایران، نخستین کنگره بین‌المللی جامع علوم سیاسی ایران: ۱۲-۱.

- نوریان، اردشیر (۱۳۸۸)، منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل: نقش قدرت در حفظ صلح و امنیت جهانی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وسوم، ش ۱: ۲۶۱-۲۲۳.

- Abdelbari, Walid (2018), "Iran, Gaza, commerce: l'Europe et les États-Unis au bord de la rupture", available at: <https://www.tsaalgerie.com/iran-gaza-commerce-leurope-et-les-etats-unis-au-bordde-la-rupture/2018/may/20>

- Alcaro, Riccardo (2018), "All Is Not Quiet on the Western Front Trump's Iran Policy and Europe's Choice on the Nuclear Deal", *Istituto Affari Internazionali*, Pp. 1- 26.

- Aljazeera (Dec 16, 2017), "US calls for global 'coalition' to counter Iran", available at: <https://www.aljazeera.com/news/2017/12/calls-global-coalition-counter-iran-171214190652267.html>

- Batmanghelidj, Esfandyar and Axel Hellman (2018), "Mitigating US Sanction on Iran: The Case for a Humanitarian Special Purpose Vehicle", *European Leadership Networks*, Available at: <https://static1.squarespace.com/static/54db7b69e4b00a5e4b11038c/t>

– Berman, Ilan (2015), *Iran's deadly ambition: The Islamic Republic's quest for global Power*, New York: Encounter Books.

– Campbell, Charlie (2017), “Everything You Need to Know about President Trump’s Grueling Asia Tour”, *The time*, Available at: <http://time.com/5006936/donaldtrump-china-vietnam-philippines-korea-japan-apec-asean/>

– Champion, Marc and Jonathan Ferziger and David Wainer (February 18, 2018), “Israel, Saudis Find Common Cause in Warning of Iran Expansionism”, *Bloomberg News*, Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-02-18/netanyahu-in-munich-speech-urges-west-not-to-appease-iran/>

– Cherkaoui, Mohammed (2018), “Trump’s Withdrawal from the Iran Nuclear Deal: Security or Economics?”, Available at: <http://studies.aljazeera.net/en/reports/2018/05/trumps-withdrawal-iran-nuclear-deal-security-economics-180510123910355.html>

– Cohen, Eliot A. (2019), “America’s Long Goodbye The Real Crisis of the Trump Era”, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/long-term-disaster-trump-foreign-policy>

– Cordesman, Anthony H. (January 7, 2019), “Iraq, Iran, the Gulf, Turkey, and the Future: The Meaningless Debate over the Trump Strategy in Syria”, *Center for Strategic and International Studies*, Available at: <https://www.csis.org/analysis/iraq-iran-gulf-turkey-and-future-meaningless-debate-over-trump-strategy-syria>

– Daily Express (2017), “US warns an 'unchecked Iran' could follow the path of North Korea amid WW3 fears”, Retrieved From: <https://WWW.Express.Co.uk/news/world/94047/Donald-Trump-Iran-Rex-Tillerson-nuclear-world-War-3-sanctions-north-korea-Kim-Jong-un.>

– De Luce, Dan and Robbie Gramer (February 10, 2018), “Top Democrat’s Return Sows Uncertainty for Iran Deal”, *in Foreign Policy*, Available at: <http://foreignpolicy.com/2018/02/10/robert-menendez-is-back-on-key-senate-panel-sowing-uncertainty-for-iranddeal-senate-foreign-relations-committee-middle-east-trump-administrationdiplomacy-ben-cardin/>

– European External Action Service (September 20, 2017), “Remarks by High Representative/Vice-President Federica Mogherini following the Ministerial Meeting of the E^U/EU + ^U and Iran”, available at: https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/32546/remarks-high-representativevice-president-federica-mogherini-following-ministerial-meeting_en

– Foor, Ashleigh (2018), “Summary of the Presidential Memorandum: Ceasing U.S. Participation in the JCPOA and Taking Additional Action to Counter Iran’s Malign Influence and Deny Iran All Paths to a Nuclear Weapon”, Available at: <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/ceasing-u-s->



participation-jcpoa-taking-additional-action-counter-irans-malign-influence-deny-iran-paths- nuclearweapon./

– Gerecht, Reuel and Ray Takeyh (April 7, 2017) “How Trump Can Help Cripple the Iranian Regime”, *The Washington Post*, Available at: <https://www.washingtonpost.com/.../how-trump-can-help-cripple-the-iran>

– Holland, Steve and Maayan Lubell (2017), “Trump recognizes Jerusalem as Israel’s capital, reversing longtime U.S. policy”, *Reuters.com*, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-israel/trump-recognizes-jerusalem-asisraels-capital-reversing-longtime-u-s-policy-idUSKBN1E01PS/>

– Hunter, Shireen T. (2010), *Iran’s Foreign Policy in the Post-Soviet Era*, Greenwood, Santa Barbara, California.

– Giglio, Mike (September 25, 2018) “Trump’s New Iran Strategy, Inspired By The Cold War, Calls For ‘Maximum Pressure”, *BuzzFeed News*, Available at: <https://www.buzzfeednews.com/article/mikegiglio/trump-officials-are-reading-a-book-about-the-cold-war-for>

– Goldenberg, Iian and Elizabeth Rosenberg (March 13, 2018), “How to Save the Iran Nuclear Deal”, in *Foreign Affairs Snapshots*, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2018-03-13/how-save-irannuclear-deal>.

– Greenberg, Jon and John Kruzell and Amy Sherman (2018), “Trump withdraws U.S. from the Iran nuclear deal. Here’s what you need to know”, Available at: <https://www.thenagarepublic.com/news/trump-withdraws-u-s-from-the-iran-nuclear-deal-heres-what-you-need-to-know/>

– International Atomic Energy Agency (October 13, 2017), “Statement by IAEA Director General Yukiya Amano”, Available at: <https://www.iaea.org/node/41258/>

– Kagan, Frederick W. (2018) “Can We Pursue a Victory Strategy against Iran?”, *Commentary Magazine*.

– Kinzer, Stephen (January 4, 2016), “The United States Shouldn’t Choose Saudi Arabia Over Iran”, *Politico Magazine*, Available at: <https://www.politico.com/magazine/story/2016/01/saudi-arabia-iran-213504>

– Klein, Philip (May 18, 2018), “Trump’s radical foreign policy idea: Stand with Israel”, Available at: <https://www.washingtonexaminer.com/opinion/columnists/trumps-radical-foreign-policy-idea-stand-with-israel>.

– Landay, Jonathan And Arshad Mohammed And Steve Holland (September 11, 2017), “Exclusive: Trump to weigh more aggressive U.S. strategy on Iran – sources”, Retrieved From: <https://www.reuters.com/article/us-usa-trump-iran-exclusive/exclusive-trump-to-weigh-more-aggressive-u-s-strategy-on-iran-sources-idUSKCN1BM2WJ>

– Majumdar, Dave (2017), “How the United States Is Turning Saudi Arabia Into a Military Juggernaut”, *national interest*, Available at: <http://nationalinterest.Org/blog/the-buzz/how-the-united-states-turning-saudi-arabia-military-20772>.



– Maloney, Suzanne (May 11, 2017), “Under Trump, U.S. policy on Iran is moving from accommodation to confrontation”, available at: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/05/11/under-trump-u-s-policy-on-iran-is-moving-from-accommodation-to-confrontation/>

– Manson, Katrina (2017), “U.N. Nuclear Agency Counters Trump Objections to Iran Deal”, *Financial Times*, available at: <https://www.ft.com/content/ac2c7bb4-c331-11e7-a1d2-6786f39ef675>

– Meredith Rathbone and others (January 16, 2018), “President Trump Reissues Iran Sanctions Waivers, but Warns That Concerns over JCPOA Must Be Addressed”, in *Steptoe International Compliance Blog*, available at: <https://www.steptointernationalcomplianceblog.com/?p=1886>.

– Mossalanejad, A. (2018), “The Middle East security and Donald Trump's grand strategy”, *Geopolitics Quarterly*, Volume. 13, No. 4, pp: 20 – 52.

– Rathburn, Brian (2008), “A Rose by Any Other Name: Neoclassical Realism as the -Logical and Necessary Extension of Structural Realism”, *Security Studies*, Volume 17, Issue 2, Pages 294-231.

– Regencia, Ted (2017), “Is Trump leading the US on a warpath with Iran?”, *Aljazeera*, Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/features/2017/02/trump-leading-warpath-iran-170203105946707.html>

– Reilly, Katie (June 2, 2016), “Read Hillary Clinton's Speech on Donald Trump and National Security”, Available at: <https://time.com/4355797/hillary-clinton-donald-trump-foreign-policy-speech-transcript/>

– Ritter, Scott (2018), *Dealbreaker: Donald Trump and the Unmaking of the Iran Nuclear Deal*, Clarity Press, pp. 1- 302

– Roe, Paul (2014), *Ethnic Violence and the Societal Security Dilemma*, Publisher: Routledge, pp. 1- 216

– Smith, Lee (2018), *The Trump Administration's Next Moves on the Iran Nuclear Deal*, Friends of Israel Initiative, pp. 1- 17

– Stolberg, Sheryl Gay (March 23, 2019), “Israel Lobby Convened in Washington Amid Fraying Bipartisanship and Rising Tension”, *The New York Times*, <https://www.nytimes.com/2019/03/23/us/politics/aipac-israel-trump-democrats.html>

– Tabatabai, Ariane (March 29, 2018), “The Bolton Threat to the Iran Nuclear Deal”, in *Bulletin of the Atomic Scientists*, available in: <https://thebulletin.org/node/11645/>

– The White House (2017), “America First Foreign Policy”, Available at: <https://www.whitehouse.gov/america-first-foreign-policy>.

– Trump, Donald j. (2016), “We inherited a national debt that has doubled in eight years”, Available at: <https://www.youtube.com/watch?v=cC33EeUc69E>

– Trump, Donald j. (October 13, 2017), “Remarks by President Trump on Iran Strategy”, *The White House*, Available at: <https://www.whitehouse.gov/briefings-statements/remarks-president-trump-iran-strategy>.



– Trump, Donald j. (May 11, 2018b), “President Trump Says the Iran Deal is Defective at Its Core. A New One Will Require Real Commitments”, Available at: <https://www.whitehouse.gov/articles/president-trump-says-iran-deal-defective-core-new-one-will-require-real-commitments/>

– Vatanka, Alex (2016), “Iran-U.S. Relations and the Next U.S. President”, *Middle East Institute*, July 25, available at: http://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF17_Vatanka_IranUS_web.pdf

– Wohlfeld, Monika (2018), *What Future for the Iran Nuclear Deal?*, Mediterranean Academy of Diplomatic Studies, pp. 1- 76

– Zarif, Mohammad Javad (June 19, 2017a), “Iran's missile capability protects its citizens in lawful self-defense & advances common global fight to eradicate ISIS & extremist terror”, Available at: www.Twitter.com/jzarif

– Zarif, Mohammad Javad (Dec 13, 2017b), “OIC recognizes East Jerusalem al-Quds as Palestine's capital”, Available at: <https://www.presstv.com/detail/2017/12/13/545489/oic-iran-zarif-jerusalem-israel-palestine-quds>